



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی
اداره پژوهش‌های سیاسی

«تمدن سازی نوین اسلامی»

در نگاه رهبر معظم انقلاب

گام دوم انقلاب

(برگرفته از بیانات در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۷)

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر در دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.tribnews.ir>

پژوهشگر: امید جلوداریان

رهبر معظم انقلاب در بیانیه مهم گام دوم انقلاب، به ورود انقلاب اسلامی ایران به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی اشاره و بر لزوم نزدیک کردن انقلاب به آرمان بزرگش یعنی ایجاد تمدن نوین اسلامی تاکید می‌کنند. این پژوهش به بررسی، شاخص‌یابی و محوربندی بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مقطع سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۷ درباره تمدن‌سازی اسلامی اختصاص دارد.

رهبر معظم انقلاب، تمدن‌سازی اسلامی را مستلزم طی شدن مراحل می‌دانند و به فرایند شکل‌گیری تمدن اسلامی اشاره می‌کنند؛ ایجاد انقلاب اسلامی، ایجاد نظام اسلامی، ایجاد دولت اسلامی، ایجاد کشور و جامعه اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی، فرایندی است که برای شکل‌گیری تمدن اسلامی باید طی شود.

بخش‌های تمدن اسلامی موضوع مهم دیگری است که رهبر انقلاب از آن سخن می‌گویند. رهبر انقلاب تمدن اسلامی را به دو بخش ابزاری شامل علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد و ... و نرم افزاری شامل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، نوع تفریحات، مسئله خط و زبان، مسئله کسب و کار، نوع رفتار در محل کار، دانشگاه، مدرسه، نوع رفتار در فعالیت سیاسی، ورزشی و رسانه‌ای، نوع رفتار با پدر و مادر، همسر، فرزند و ... تقسیم می‌کنند. رهبر انقلاب شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی را ایمان، علم، پیشرفت، عزت، عدالت، قدرت مقابله با امواج جهانی، ثروت، اخلاق و مجاهدت مداوم بر می‌شمارند و تولید فکر از اقیانوس عظیم معارف و پرورش انسان با کمک علمای دین، مدیران جامعه و آحاد مردم را دو عنصر اساسی برای ایجاد تمدن اسلامی می‌دانند.

ویژگی‌های کلی و دستاوردهای تمدن اسلامی از دیگر شاخص‌هایی است که در بیانات رهبر انقلاب درباره تمدن اسلامی به آن اشاره شده است. بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی، حکومت مردمی، قوانین برگرفته از قرآن، اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوبه‌نوی بشری، پرهیز از تحجر، ارتجاع، بدعت و التقاط، پیشرفت مادی و ایجاد رفاه و ثروت عمومی، تلاش و کار و ابتکار و نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون از جمله محورهایی است که زیر این شاخص قرار می‌گیرند. نیازها و بایدهای برپایی تمدن اسلامی نیز از نکاتی است که رهبر معظم انقلاب به تفصیل و تاکید در بیاناتشان به آنها اشاره می‌کنند. لزوم القای باور تمدن‌سازی اسلامی به مردم، لزوم استفاده از دانش جهان، لزوم ادای وظیفه علمای دین و روشنفکران، لزوم تلاش مجاهدانه امت، لزوم تحقیق دانشگاه‌ها برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، لزوم گنجاندن معارف تمدن‌ساز در کتاب‌ها، لزوم طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، لزوم پرهیز از تقلید غربی، لزوم شناسایی نیازهای حقیقی و اساسی کشور و تکیه بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی از جمله این بایدهاست.

۱- مراحل پیش از شکل گیری تمدن اسلامی:

۱-۱- انقلاب اسلامی

۲-۱- نظام اسلامی

۳-۱- دولت اسلامی

۴-۱- کشور اسلامی

۲- فرایند شکل گیری تمدن اسلامی:

۱-۲- ایجاد انقلاب اسلامی:

۱-۱-۲- دگرگونی بنیادی

۲-۱-۲- ایجاد نظام جدید بر مبنای آرمان ها و ارزش های نو و با تعبیر و مفاهیم نو

۲-۲- ایجاد نظام اسلامی:

۱-۲-۲- اسلامی شدن هندسه عمومی جامعه

۳-۲- ایجاد دولت اسلامی :

۱-۳-۲- به معنای مجموعه کارگزاران حکومت (نه هیئت وزیران)

۲-۳-۲- اصلاح مسئولان، خود را و جامعه را

۴-۲- ایجاد کشور و جامعه اسلامی:

۱-۴-۲- مرحله تالاف و تشعشع نظام اسلامی

۲-۴-۲- استقرار عدالت

۳-۴-۲- از بین رفتن تبعیض

۴-۴-۲- ریشه کن شدن فقر

۵-۴-۲- به دست آمدن عزت حقیقی

۶-۴-۲- ارتقای جایگاه در روابط بین الملل

۵-۲- ایجاد تمدن اسلامی

تمدن اسلامی

۳- بخش های تمدن اسلامی:

۱-۳- بخش ابزاری :

۱-۱-۳- علم

۲-۱-۳- اختراع

۳-۱-۳- صنعت

۴-۱-۳- سیاست

۵-۱-۳- اقتصاد

۶-۱-۳- اقتدار سیاسی و نظامی

۷-۱-۳- اعتبار بین المللی

۸-۱-۳- تبلیغ و ابزارهای تبلیغ

۲-۳- بخش نرم افزاری:

۱-۲-۳- مسئله خانواده

۲-۲-۳- سبک ازدواج

۳-۲-۳- نوع مسکن

۴-۲-۳- نوع لباس

۵-۲-۳- الگوی مصرف

۶-۲-۳- نوع خوراک

۷-۲-۳- نوع آشپزی

۸-۲-۳- نوع تفریحات

۹-۲-۳- مسئله خط و زبان

۱۰-۲-۳- مسئله کسب و کار

۱۱-۲-۳- نوع رفتار در محل کار، دانشگاه، مدرسه

۱۲-۲-۳- نوع رفتار در فعالیت سیاسی، ورزش، رسانه ای که در اختیار ماست

۱۳-۲-۳- نوع رفتار با پدر و مادر، همسر، فرزند و ...

۱۴-۲-۳- نوع رفتار با دوست، دشمن، بیگانه و ...

۱۵-۲-۳- نوع سفرها

۱۶-۲-۳- چگونگی نظافت و طهارت

۴- دو عنصر اساسی برای ایجاد تمدن اسلامی:

- ۴-۱- تولید فکر از اقیانوس عظیم معارف
- ۴-۲- پرورش انسان با کمک علمای دین، مدیران جامعه و آحاد مردم

۵- مقدمه تشکیل تمدن اسلامی:

۵-۱- استقامت و پایداری:

- ۵-۱-۱- استقامت، یعنی گم نکردن مسیر و اصلاح کردن خطاها

۵-۲- الگوشدن ملت:

- ۵-۲-۱- رشد معنوی
- ۵-۲-۲- پیشرفت مادی
- ۵-۲-۳- رشد علمی
- ۵-۲-۴- توسعه عدالت
- ۵-۲-۵- کم شدن فاصله‌های طبقاتی
- ۵-۲-۶- حذف اشرافی‌گری

۶- معانی و مفاهیم تمدن اسلامی:

- ۶-۱- تأثیر پذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام
- ۶-۲- الگویی برای حرکت امت اسلامی
- ۶-۳- دنیای آراسته با تعلیمات ارزشمند پیامبران الهی و آیات نورانی خدای متعال
- ۶-۴- دنیای آباد و پیشرفته در کنار تعالی معنوی
- ۶-۵- دنیایی که انسان‌ها کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت و اطمینان می‌کنند
- ۶-۶- دنیایی که انسانیت در آن شکوفاست
- ۶-۷- نقطه مقابل حرکت به سمت وابستگی به غرب
- ۶-۸- نقطه مقابل تأثیرپذیری از بافته‌ها و یافته‌های بی‌مغز غربی‌ها
- ۶-۹- نقطه مقابل منافع سرمایه‌دارهای صهیونیست و کمپانی‌دارهای ظالم و خون‌خوار دنیا
- ۶-۱۰- به معنای تصرف سرزمین‌ها نیست
- ۶-۱۱- به معنای تجاوز به حقوق ملت‌ها نیست
- ۶-۱۲- به معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملت‌ها نیست

۷- اسلام و تمدن اسلامی:

۷-۱- ظرفیت‌های دنیای اسلام برای برپایی تمدن نوین اسلامی:

- ۷-۱-۱- جمعیت خوب
- ۷-۱-۲- سرزمین‌های خوب
- ۷-۱-۳- موقعیت جغرافیایی برجسته
- ۷-۱-۴- منابع طبیعی بسیار
- ۷-۱-۵- نیروهای انسانی بالاستعداد
- ۷-۱-۶- توانایی انقلاب اسلامی

۷-۲- اسلام در تمدن اسلامی:

- ۷-۲-۱- اسلام حیات‌بخش
- ۷-۲-۲- اسلام نشاط آور
- ۷-۲-۳- اسلام تحرک‌آفرین
- ۷-۲-۴- اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف
- ۷-۲-۵- اسلام بدون التقاط
- ۷-۲-۶- اسلام شجاعت‌بخش
- ۷-۲-۷- اسلام هدایت‌کننده به سوی علم و دانش
- ۷-۲-۸- لزوم بالندگی بیشتر موضوعات تحقیق و تألیف دینی (فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر و ...)
- ۷-۲-۹- لزوم فعال کردن نهضت پاسخ به سؤالات نظری و عملی جامعه

۸- شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی:

- ۸-۱- ایمان
- ۸-۲- علم
- ۸-۳- پیشرفت
- ۸-۴- عزّت
- ۸-۵- عدالت
- ۸-۶- قدرت مقابله با امواج جهانی
- ۸-۷- ثروت
- ۸-۸- اخلاق
- ۸-۹- مجاهدت مداوم

۹- ویژگی‌های کلی و دستاوردهای تمدن اسلامی:

۹-۱- بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی:

۹-۱-۱- آمیختگی دنیا و آخرت:

- ۹-۱-۱-۱- همراهی علم و اخلاق
- ۹-۱-۱-۲- پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین
- ۹-۱-۱-۳- همراهی قدرت سیاسی و عدالت
- ۹-۱-۱-۴- دفاع از مظلومان عالم
- ۹-۱-۱-۵- همراه با معیارهای پیشرفت جهانی و مدنی

۹-۲- حکومت مردمی

۹-۳- قوانین برگرفته از قرآن

۹-۴- اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوبه‌نوی بشری

۹-۵- پرهیز از تجرّ، ارتجاع، بدعت و التقاط

۹-۶- پیشرفت مادی و ایجاد رفاه و ثروت عمومی:

- ۹-۶-۱- پیشرفت در خصوص امنیت، آسایش، رفاه و همزیستی مهربانانه مردم
- ۹-۶-۲- پیشرفت در زمینه علم و فناوری و صنعت
- ۹-۶-۳- سیاست بین‌المللی و دیپلماسی قوی
- ۹-۶-۴- اقتصاد سامان یافته:
- ۹-۶-۴-۱- خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر
- ۹-۶-۵- بهره‌مند از منابع عظیم ثروت در زیر زمین و روی زمین

۹-۷- تلاش و کار و ابتکار

۹-۸- نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون:

- ۹-۸-۱- از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی
- ۹-۸-۲- از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری
- ۹-۸-۳- از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما

تمدن اسلامی :

۱۰- نیازها و بایدهای برپایی تمدن اسلامی:

- ۱-۱۰- پیشرفت همه جانبه و مجاهدت دائم، لازمه تمدن سازی نوین اسلامی
- ۲-۱۰- لزوم القای باور تمدن سازی اسلامی به مردم
- ۳-۱۰- لزوم استفاده از دانش جهان و ابزارهای موجود جهانی
- ۴-۱۰- لزوم ادای وظیفه علمای دین و روشنفکران راستین
- ۵-۱۰- لزوم تلاش مجاهدانه و مجدّانه امت اسلامی
- ۶-۱۰- لزوم تحقیق دانشگاه ها برای ایجاد تمدن نوین اسلامی
- ۷-۱۰- مسجد، زمینه ساز ایجاد تمدن اسلامی
- ۸-۱۰- حوزه علمیه، بالا برنده بنای شامخ تمدن اسلامی
- ۹-۱۰- نیروهای مسلح، موثر در تشکیل تمدن نوین اسلامی
- ۱۰-۱۰- نقش موثر آموزش و پرورش و دانشگاه در شکل گیری تمدن نوین اسلامی
- ۱۱-۱۰- نقش موثر جوانان در ایجاد تمدن نوین اسلامی
- ۱۲-۱۰- ایجاد تمدن نوین اسلامی نیازمند نظام صحیح حرکت منطقی
- ۱۳-۱۰- ایجاد تمدن اسلامی، نیازمند رویش های نوین
- ۱۳-۱۰- تشکیل تمدن اسلامی نیازمند بیداری اسلامی
- ۱۴-۱۰- تمدن سازی نوین اسلامی نیازمند فداکاری و ایثار و شهادت
- ۱۵-۱۰- تمدن سازی نوین اسلامی نیازمند صبر و بصر و اعتماد
- ۱۶-۱۰- لزوم تحقق جایگاه تمدنی مطلوب قرآن
- ۱۷-۱۰- ضرورت ترسیم اهداف بلندمدت
- ۱۸-۱۰- لزوم گنجاندن معارف تمدن ساز در کتاب ها
- ۱۹-۱۰- لزوم طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی
- ۲۰-۱۰- تمدن سازی نیازمند مکتب و ایدئولوژی و ایمان
- ۲۱-۱۰- نیاز تمدن سازی اسلامی نوین به ایمان و دین و عقلانیت و علم و اخلاق
- ۲۲-۱۰- تمدن سازی نوین اسلامی نیازمند نظام سازی، قانون نویسی و مدیریت کشور و انقلاب
- ۲۳-۱۰- قواعد محکم نهاده شده به دست امام، از پایه های شکل گیری تمدن عظیم اسلامی
- ۲۴-۱۰- شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین، پرهیز از تقلید غربی
- ۲۵-۱۰- تمدن اسلامی نیازمند شناسایی نیازهای حقیقی و اساسی کشور
- ۲۶-۱۰- تمدن اسلامی نیازمند فکر و نیروی انسانی
- ۲۷-۱۰- برپا داشتن تمدن اسلامی نیازمند ذکر خدا
- ۲۸-۱۰- تشکیل تمدن اسلامی نیازمند مشاوره و مناظره و فضای انتقادی سالم
- ۲۹-۱۰- تشکیل تمدن اسلامی نیازمند آزادی بیان با حمایت حکومت اسلامی و هدایت علما و صاحب نظران
- ۳۰-۱۰- برپایی تمدن اسلامی نیازمند هدایت الهی و کمک های معنوی غیبی
- ۳۱-۱۰- برپایی تمدن اسلامی نیازمند ادعیه زاکیه و هدایت های معنوی ولی الله الاعظم
- ۳۲-۱۰- فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی، پایه اصلی تمدن اسلامی

تمدن اسلامی:

۱۱- ضرورت برپایی تمدن اسلامی:

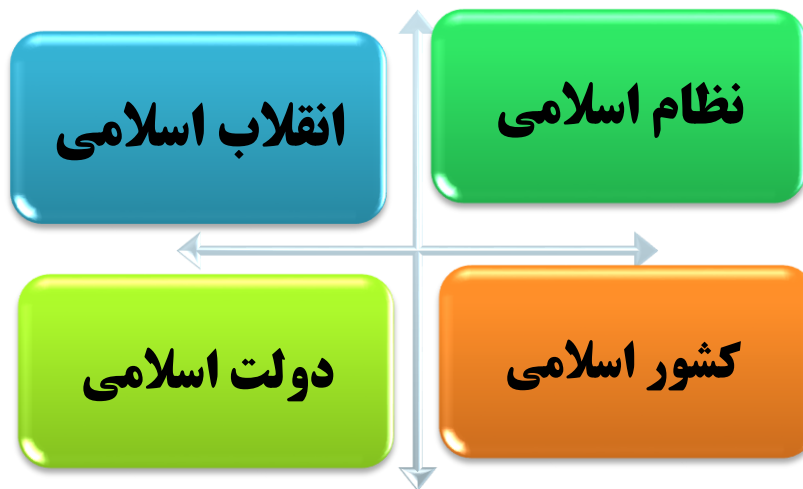
- ۱-۱۱- آشکار شدن تضادهای تمدن غربی و لزوم برپایی تمدن نوین اسلامی
- ۲-۱۱- ایجاد تمدن اسلامی از مهم ترین آرمان های نظام
- ۳-۱۱- تمدن سازی نوین اسلامی، وظیفه دنیای اسلام
- ۴-۱۱- شکل گیری تمدن نوین اسلامی، تحقق کامل وعده الهی
- ۵-۱۱- حرکت به سمت ایجاد تمدن اسلامی، معنای واقعی سیاست:
- ۱-۵-۱۱- سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می رویم
- ۶-۱۱- تمدن اسلامی، گام نهایی در مراحل پنج گانه اهداف انقلاب اسلامی
- ۷-۱۱- تمدن اسلامی باعث گسترش فرهنگ اسلامی در فضای عمومی بشریت
- ۸-۱۱- رسیدن به تمدن اسلامی، خط کلی نظام اسلامی :
- ۱-۸-۱۱- سیر منطقی و تکاملی نظام اسلامی ایران برای ایجاد تمدن اسلامی

۱۲- قطعیت ایجاد تمدن نوین اسلامی:

- ۱-۱۲- پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نشانه وعده تخلف ناپذیر شکل گیری تمدن اسلامی
- ۲-۱۲- قطعی و اجتناب ناپذیر بودن تشکیل تمدن اسلامی
- ۳-۱۲- قطعیت برپایی تمدن اسلامی کامل در دوران ظهور حضرت بقیه الله

□ تمدن اسلامی - گام دوم انقلاب اسلامی

۱- مراحل پیش از شکل گیری تمدن اسلامی



۲- فرایند شکل گیری تمدن اسلامی



۳- بخش‌های تمدن اسلامی:



۴- دو عنصر اساسی برای ایجاد تمدن اسلامی:

۱- تولید فکر از اقیانوس عظیم معارف

۲- پرورش انسان با کمک علمای دین، مدیران جامعه و آحاد مردم

۵- مقدمه تشکیل تمدن اسلامی:

مقدمه تشکیل تمدن اسلامی

۱- استقامت و پایداری

۲- الگو شدن ملت

۱- استقامت و پایداری

استقامت، یعنی گم نکردن مسیر و اصلاح کردن خطاها



۶- معانی و مفاهیم تمدن اسلامی:



۷- اسلام و تمدن اسلامی:





۹- ویژگی‌های کلی و دستاوردهای تمدن اسلامی:

۱- بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی:

- ۹۰-۱- بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی:
- ۹۰-۱-۱- آمیختگی دنیا و آخرت:
- ۹۰-۱-۱-۱- همراهی علم و اخلاق
- ۹۰-۱-۱-۲- پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین
- ۹۰-۱-۱-۳- همراهی قدرت سیاسی و عدالت
- ۹۰-۱-۱-۴- دفاع از مظلومان عالم
- ۹۰-۱-۱-۵- همراه با معیارهای پیشرفت جهانی و مدنی

۲- حکومت مردمی

۳- قوانین برگرفته از قرآن

۴- اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوبه نوی بشری

۵- پرهیز از تحجر، ارتجاع، بدعت و التقاط

۶- پیشرفت مادی و ایجاد رفاه و ثروت عمومی

- ۹۰-۶-۱- پیشرفت در خصوص امنیت، آسایش، رفاه و همزیستیِ مهربانانه مردم
- ۹۰-۶-۲- پیشرفت در زمینه علم و فناوری و صنعت
- ۹۰-۶-۳- سیاست بین المللی و دیپلماسی قوی
- ۹۰-۶-۴- اقتصاد سامان یافته :
- ۹۰-۶-۴-۱- خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر
- ۹۰-۶-۵- بهره‌مند از منابع عظیم ثروت در زیر زمین و روی زمین

۷- تلاش و کار و ابتکار

۸- نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون:

- ۹۰-۸-۱- از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی
- ۹۰-۸-۲- از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری
- ۹۰-۸-۳- از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما

۱۰- نیازها و باید‌های برپایی تمدن اسلامی:

۱۰-۱- پیشرفت همه جانبه و مجاهدت دائم، لازمه تمدن سازی نوین اسلامی

۱۰-۲- لزوم القای باور تمدن سازی اسلامی به مردم

۱۰-۳- لزوم استفاده از دانش جهان و ابزارهای موجود جهانی

۱۰-۴- لزوم ادای وظیفه علمای دین و روشنفکران راستین

۱۰-۵- لزوم تلاش مجاهدانه و مجدّانه امت اسلامی

۱۰-۶- لزوم تحقیق دانشگاه ها برای ایجاد تمدن نوین اسلامی

۱۰-۷- مسجد، زمینه ساز ایجاد تمدن اسلامی

۱۰-۸- حوزه علمیه، بالا برنده بنای شامخ تمدن اسلامی

۱۰-۹- نیروهای مسلح، موثر در تشکیل تمدن نوین اسلامی

۱۰-۱۰- نقش موثر آموزش و پرورش و دانشگاه در شکل گیری تمدن نوین اسلامی

۱۰-۱۱- نقش موثر جوانان در ایجاد تمدن نوین اسلامی

۱۰-۱۲- ایجاد تمدن نوین اسلامی نیازمند نظام صحیح حرکت منطقی

۱۰-۱۳- ایجاد تمدن اسلامی، نیازمند رویش های نوین

۱۰-۱۳- تشکیل تمدن اسلامی نیازمند بیداری اسلامی

۱۰-۱۴- تمدن سازی نوین اسلامی نیازمند فداکاری و ایثار و شهادت

۱۰-۱۵- تمدن سازی نوین اسلامی نیازمند صبر و بصر و اعتماد

۱۰-۱۶- لزوم تحقق جایگاه تمدنی مطلوب قرآن

۱۰-۱۷- ضرورت ترسیم اهداف بلندمدت

۱۰-۱۸- لزوم گنجاندن معارف تمدن ساز در کتاب ها

۱۰-۱۹- لزوم طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی

۱۰-۲۰- تمدن سازی نیازمند مکتب و ایدئولوژی و ایمان

۱۰-۲۱- نیاز تمدن‌سازیِ اسلامیِ نوین به ایمان و دین و عقلانیت و علم و اخلاق

۱۰-۲۲- تمدن‌سازیِ نوینِ اسلامی نیازمند نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلاب

۱۰-۲۳- قواعد محکم نهاده شده به دست امام، از پایه‌های شکل‌گیری تمدن عظیم اسلامی

۱۰-۲۴- شرط رسیدن به تمدن اسلامیِ نوین، پرهیز از تقلید غربی

۱۰-۲۵- تمدن اسلامی نیازمند شناسایی نیازهای حقیقی و اساسی کشور

۱۰-۲۶- تمدن اسلامی نیازمند فکر و نیروی انسانی

۱۰-۲۷- برپا داشتن تمدن اسلامی نیازمند ذکر خدا

۱۰-۲۸- تشکیل تمدن اسلامی نیازمند مشاوره و مناظره و فضای انتقادی سالم

۱۰-۲۹- تشکیل تمدن اسلامی نیازمند آزادی بیان با حمایت حکومت اسلامی و هدایت علما و صاحب‌نظران

۱۰-۳۰- برپایی تمدن اسلامی نیازمند هدایت الهی و کمک‌های معنوی غیبی

۱۰-۳۱- برپایی تمدن اسلامی نیازمند ادعیه زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله الاعظم

۱۰-۳۲- فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی، پایه اصلی تمدن اسلامی

۱۱- ضرورت برپایی تمدن اسلامی:

۱۱-۱- آشکار شدن تضادهای تمدن غربی و لزوم برپایی تمدن نوین اسلامی

۱۱-۲- ایجاد تمدن اسلامی از مهم‌ترین آرمان‌های نظام

۱۱-۳- تمدن‌سازی نوین اسلامی، وظیفه دنیای اسلام

۱۱-۴- شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، تحقق کامل وعده الهی

۱۱-۵- حرکت به سمت ایجاد تمدن اسلامی، معنای واقعی سیاست:

۱۱-۵-۱- سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم.

۱۱-۶- تمدن اسلامی، گام نهایی در مراحل پنج‌گانه اهداف انقلاب اسلامی

۱۱-۷- تمدن اسلامی باعث گسترش فرهنگ اسلامی در فضای عمومی بشریت

۱۱-۸- رسیدن به تمدن اسلامی، خط کلی نظام اسلامی:

۱۱-۸-۱- سیر منطقی و تکاملی نظام اسلامی ایران برای ایجاد تمدن اسلامی

۱۲ - قطعیت ایجاد تمدن نوین اسلامی:

- پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نشانه وعده تخلف‌ناپذیر شکل‌گیری تمدن اسلامی

- قطعی و اجتناب‌ناپذیر بودن تشکیل تمدن اسلامی

- قطعیت برپایی تمدن اسلامی کامل در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله

مهم‌ترین محورهای تمدن اسلامی	مستندات تمدن اسلامی
۱- مراحل پیش از شکل‌گیری تمدن اسلامی: ۱-۱- انقلاب اسلامی ۲-۱- نظام اسلامی ۳-۱- دولت اسلامی ۴-۱- کشور اسلامی ۲- فرایند شکل‌گیری تمدن اسلامی: ۱-۲- ایجاد انقلاب اسلامی: ۱-۱-۲- دگرگونی بنیادی ۲-۱-۲- ایجاد نظام جدید بر مبنای آرمان‌ها و ارزش‌های نو و با تعبیر و مفاهیم نو ۲-۲- ایجاد نظام اسلامی: ۱-۲-۲- اسلامی شدن هندسه عمومی جامعه ۳-۲- ایجاد دولت اسلامی : ۱-۳-۲- به معنای مجموعه کارگزاران حکومت (نه هیئت وزیران) ۲-۳-۲- اصلاح مسئولان، خود را و جامعه را ۴-۲- ایجاد کشور و جامعه اسلامی: ۱-۴-۲- مرحله تالو و تشعشع نظام اسلامی ۲-۴-۲- استقرار عدالت ۳-۴-۲- از بین رفتن تبعیض ۴-۴-۲- ریشه کن شدن فقر ۵-۴-۲- به دست آمدن عزت حقیقی ۶-۴-۲- ارتقای جایگاه در روابط بین‌الملل ۵-۲- ایجاد تمدن اسلامی ۳- بخش‌های تمدن اسلامی: ۱-۳- بخش‌های: ۱-۱-۳- علم ۲-۱-۳- اختراع ۳-۱-۳- صنعت	« آنچه نگاه به نخبگان را به‌عنوان یک فریضه، به‌عنوان یک واجب غیرقابل اجتناب بر همه‌ی مسئولان لازم می‌کند، یک هدف بزرگ است. یک هدف بزرگی در اینجا وجود دارد؛ با این هدف حتماً بایستی نگاه به نخبگان یک نگاه جدی، یک نگاه عملیاتی، یک نگاه دلسوزانه و پیگیر باشد. آن هدف چیست؟ آن هدف عبارت است از تبدیل کشور ایران به کشوری پیشرفته، قدرتمند، شریف - شریف در مقابل لئیم و پلید که بعضی از کشورها و بعضی از قدرت‌ها هستند - صاحب حرف نو در مسائل بشری و در مسائل بین‌المللی (...) و برافرازنده‌ی پرچم تمدن نوین اسلامی. ما یک چنین کشوری می‌خواهیم؛ هدف این است. ببینید من نه شاخص خواندم. ما می‌خواهیم کشور را تبدیل کنیم به یک چنین کشوری با این خصوصیات. البته در نیمه‌های راه در یک قسمت‌هایی بد نبوده، یک پیشرفت‌هایی کرده‌ایم اما اینها همه راه‌های نیمه‌راهی است، ما باید پیش برویم، باید به قلّه‌ها برسیم^۱». « مسجد، [هم] پایگاه مقاومت است، هم [پایگاه] رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و بصیرت فرهنگی [است]؛ در دل فرهنگ، سیاست هم هست. این را هم عرض بکنیم که معنای سیاست فقط این نیست که انسان طرف‌دار زید و مخالف عمرو باشد یا بعکس؛ سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم؛ آیا به سمت هدفها داریم حرکت می‌کنیم یا زاویه گرفته‌ایم و داریم از هدفها دور میشویم؟ معنای واقعی سیاست این است. آن وقت در خلال این نگاه، تکلیف آدمها و اشخاص و گروه‌ها و احزاب و جریانها روشن می‌شود که آیا داریم به سمت عدالت اجتماعی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت استقلال واقعی دینی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی می‌رویم، یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و تحت‌تأثیر قرار گرفتن نسبت به بافته‌ها و یافته‌های بی‌مغز غربی‌ها حرکت می‌کنیم؟ این خیلی مسئله‌ی مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد میکشاند؛ این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بینید از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین در دل فرهنگ، سیاست هم هست. با این نگاه به حوادث جامعه باید نگاه کرد^۲». « مسجد اهمیت دارد، پایگاه است؛ همچنان که معروف شده در زبانها واقعاً پایگاه است. نه فقط پایگاه برای فلان مسئله اجتماعی، [بلکه] مسجد میتواند پایگاه همه‌ی کارهای نیک باشد؛ پایگاه خود سازی، انسان سازی، تعمیر دل و تعمیر دنیا و مقابله‌ی با دشمن و زمینه سازی برای ایجاد تمدن اسلامی و بصیرت‌افزایی افراد؛ و هَلُمَّ جَرّاً. (*) مسجد یک چنین جایگاهی است^۳». « ایران یکپارچه با اقوام مختلف و متعدد، دارای یک هدفند؛ دارای یک مسیرند. بله، ممکن است زبانها مختلف باشد، مذاهب مختلف باشد اما اهداف عالی این ملت یکسان است؛ همه می‌خواهند ایران عزیز را به‌عنوان الگوی یک کشور اسلامی به دنیا معرفی کنند. الگوی کشور اسلامی هم به معنای این نیست که در این کشور همه‌ی مردم فقط مشغول نماز و روزه و دعا و توسلاتند؛ نه، اینها هست، اینها معنویت است اما در کنار این معنویت، پیشرفت مادی هست، رشد علمی هست، توسعه‌ی عدالت هست، کم شدن فاصله‌های طبقاتی هست، برداشته شدن نمونه‌ها و قلّه‌های اشرافی‌گری هست؛ خصوصیت جامعه‌ی اسلامی اینها است. آن وقت در یک چنین جامعه‌ای، مردم خوشبختند، احساس امنیت می‌کنند، احساس آرامش می‌کنند، به سمت اهداف عالی‌ی خود پیش می‌روند، خدا را عبادت هم می‌کنند، پیشرفت دنیوی هم نصیب آنها میشود؛ ملت ایران دنبال یک چنین جامعه‌ای است؛ همه این را می‌خواهند؛ شیعه و سنی ندارد، کرد و بلوچ و فارس و ترک ندارد، همه دنبال این هستند. خب، این میشود یک الگو؛ وقتی الگو شد، وقتی نمونه سازی شد، آن وقت ملت‌های دیگر مسلمان [هم] راه را پیدا می‌کنند. اما امروز مشکلمان

۱. بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان ۱۳۹۵/۰۷/۲۸

۲. بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران ۱۳۹۵/۰۵/۳۱

۳. بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران ۱۳۹۵/۰۵/۳۱

مستندات تمدن اسلامی	مهم‌ترین محورهای تمدن اسلامی
این است؛ استکبار جهانی و استعمار، از یکی دو قرن پیش، مصلحت خود را در این دانست که بین ملت‌های مسلمان اختلاف بیندازد. مصلحت را در این دانست، چرا؟ چون در این صورت می‌توانست ثروتهای اینها را غارت کند، اینها را از پیشرفتهایی که حق آنها بود باز بدارد؛ استثمار کند. قدرتهای جهانی به برکت علمی که پیدا کرده بودند و فناوری‌ای که پیدا کرده بودند و سلاحهایی که ساخته بودند، هدفشان را این قرار دادند و متأسفانه تا حدود زیادی هم موفق شدند. اینکه ما از اول انقلاب تا امروز دائم دست دوستی را به سمت ملت‌های مسلمان و به سمت دولتهای مسلمان دراز کردیم، دعوت کردیم به اتحاد، به وحدت، به ایستادگی در مقابل توطئه‌های دشمن، به‌خاطر این است. وقتی که ملت ایران توانست خود را به آن نقطه‌ای برساند که بتواند به‌عنوان یک ملت مسلم به معنای حقیقی کلمه خود را به دنیا نشان بدهد، این بزرگ‌ترین تبلیغ اسلام است؛ ملت‌های دیگر هم روانه‌ی همین طرف خواهند شد و تشکیل امت بزرگ اسلامی که مایه‌ی عزت و مایه‌ی ترویج اسلام در سراسر جهان است، اتفاق خواهد افتاد؛ آن مدنیت اسلامی که انتظارش را داریم که بتواند بر مدنیت مادی گمراه‌کننده و فاسد غربی غلبه پیدا کند، آن روز تحقق پیدا خواهد کرد؛ مقدمه‌اش اینجا است؛ مقدمه‌اش این است که ما ملت ایران بتوانیم به سمت الگو شدن پیش برویم. خب، همه باید همت کنند؛ هم مسئولین باید همت کنند، هم آحاد مردم باید همت کنند. این قضیه هم قضیه‌ی یک‌سال و دو‌سال نیست، قضیه‌ی بلندمدت است؛ زمان می‌برد؛ کما اینکه در تمدن اسلامی [اگر] شما نگاه کنید، می‌بینید اوج تمدن اسلامی در قرنهای چهارم و پنجم است که از لحاظ علمی سرآمد است و بزرگان علما، محققین، فلاسفه، دانشمندان مادی در دنیای اسلام به وجود آمدند که دنیا را توانستند پیش ببرند که بسیاری از این پیشرفتهای امروز غربی‌ها مرهون آن حرکت است. خب، امروز البته سرعت ما بیشتر خواهد بود، ما سریع‌تر آن شاءالله به آن نتیجه خواهیم رسید، لکن بالاخره زمان‌بر است. ما در این ۳۷، ۳۸ سالی که از اول انقلاب گذشته است، خوب پیش رفتیم. واقعاً اگر کسی با چشم از صاف نگاه کند، ایران وابسته‌ی عقب‌افتاده‌ی گمنام ذلیل زیر دست و پای آمریکا و انگلیس، امروز جوری شده است که آمریکا و انگلیس و بقیه می‌آیند صاف می‌بینند برای اینکه امکانات موجود جمهوری اسلامی در منطقه را بلکه بتوانند بنحوی مصادره کنند، و نمیتوانند؛ یعنی این جور گسترش پیدا کرده است عزت اسلامی و عزت نظام اسلامی و ایران اسلامی که آنهايي که با چشم تحقیر نگاه میکردند به ملت‌ها و از جمله به ملت ایران -مثل دوران طاغوت- امروز مجبورند مثل یک هم‌اورد قدرتمند با او مواجه بشوند. این پیشرفت عمومی ملت است. در علم پیشرفت کردیم، در سیاست پیشرفت کردیم، در مسائل گوناگون مورد نظر اسلام پیشرفت کردیم. از لحاظ عدالت اجتماعی هم امروز با گذشته، زمین تا آسمان فرق کرده است؛ البته تا آن عدالت اسلامی خیلی فاصله داریم، تا عدالت مطلوب خیلی فاصله داریم. امروز متأسفانه همچنان نشانه‌های اشرافی‌گری و تجملات و بعضی از انحرافات گوناگون در جامعه‌ی ما کم نیست اما وقتی نسبت به قبل از انقلاب ملاحظه بکنیم -حالا شما جوانها که قبل از انقلاب را ندیدید؛ ما و آنهايي که دیدیم قبل از انقلاب را- پیشرفت ملت ایران و کشور اسلامی نسبت به آن وقت، پیشرفت بسیار برجسته‌ای است^۱. «عزیزان من! کشور میتواند پیش برود. اینکه من بارها می‌گویم تمدن اسلامی و بارها می‌گویم ایران میتواند قلعه‌ی تمدن اسلامی قرار بگیرد، شعار و رجزخوانی نیست، این نگاه به واقعیتهای کشور است. ما میتوانیم؛ ما میتوانیم اقتصادمان را پیشرفت بدهیم، صنعتمان را پیشرفت بدهیم، کشاورزی‌مان را پیشرفت بدهیم و خودکفایی را در آنجاهایی که خودکفایی لازم است به وجود بیاوریم؛ مسئولین باید تلاش کنند. همان‌طور که اول گفتم، هرکس مسئول است حق آن مسئولیت را اداء کند و تلاش لازم را انجام بدهد^۲». -ایشان، گام‌نهایی در مراحل پنج‌گانه‌ی اهداف انقلاب اسلامی را تحقق «تمدن اسلامی» دانستند و خاطرنشان کردند: تمدن اسلامی، کشورگشایی نیست بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام	۳-۱-۴- سیاست ۳-۱-۵- اقتصاد ۳-۱-۶- اقتدار سیاسی و نظامی ۳-۱-۷- اعتبار بین‌المللی ۳-۱-۸- تبلیغ و ابزارهای تبلیغ ۳-۲- بخش نرم افزاری: ۳-۲-۱- مسئله خانواده ۳-۲-۲- سبک ازدواج ۳-۲-۳- نوع مسکن ۳-۲-۴- نوع لباس ۳-۲-۵- الگوی مصرف ۳-۲-۶- نوع خوراک ۳-۲-۷- نوع آشپزی ۳-۲-۸- نوع تفریحات ۳-۲-۹- مسئله خط و زبان ۳-۲-۱۰- مسئله کسب و کار ۳-۲-۱۱- نوع رفتار در محل کار، دانشگاه، مدرسه ۳-۲-۱۲- نوع رفتار در فعالیت سیاسی، ورزش، رسانه‌ای که در اختیارماست ۳-۲-۱۳- نوع رفتار با پدر و مادر، همسر، فرزند و ... ۳-۲-۱۴- نوع رفتار با دوست، دشمن، بیگانه و ... ۳-۲-۱۵- نوع سفرها ۳-۲-۱۶- چگونگی نظافت و طهارت ۴- دو عنصر اساسی برای ایجاد تمدن اسلامی: ۴-۱- تولید فکر از اقیانوس عظیم معارف ۴-۲- پرورش انسان با کمک علمای دین، مدیران جامعه و آحاد مردم ۵- مقدمه تشکیل تمدن اسلامی: ۵-۱- استقامت و پایداری: ۵-۱-۱- استقامت، یعنی گم نکردن مسیر و اصلاح کردن خطاها ۵-۲- الگوشدن ملت:

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۵/۰۵/۱۱

۲. بیانات در دیدار کارگران ۱۳۹۵/۰۲/۰۸

مهم‌ترین محورهای تمدن اسلامی	مستندات تمدن اسلامی
۱-۲-۵- رشد معنوی	اس
۲-۲-۵- پیشرفت مادی	- «آماج دوم مردمند. باورهای مردم باید عوض بشود؛ باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی وظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه سازی هم دارد، تمدن سازی هم دارد؛ باور به نفی اینها [جایگزین شود]. اینها باید از ذهن مردم زدوده بشود، عکسش در ذهن مردم جا بگیرد. [میخواهند] باور به استقلال را عوض کنند. بعضی‌ها البته ناشیگری میکنند؛ می‌بینیم گاهی اوقات در بعضی از مطبوعات، صریحاً استقلال کشور را یک امر قدیمی و کهنه شده میدانند و می‌گویند امروز دیگر استقلال کشورها مطرح نیست. یعنی چه؟ یعنی در نقشه‌ی جغرافیای جهانی یک قدرتی وجود دارد، آن قدرت تصمیم می‌گیرد و همه عمل میکنند - مثل حرارت مرکزی - یک جایی یک چیزی تولید میکند، بقیه مصرف میکنند. این را دارند ترویج میکنند؛ نفوذ یعنی این. البته این کاری است که دارد انجام می‌گیرد» ^۱ .
۶- معانی و مفاهیم تمدن اسلامی:	
۱-۶- تأثیر پذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام	- «امروز، وظیفه‌ی امت اسلامی تنها این نیست که به یادبود ولادت پیغمبر یا بعثت پیغمبر جشن برپا کند؛ این کار کوچک و کمی است نسبت به آنچه وظیفه‌ی او است. دنیای اسلام امروز وظیفه دارد مثل خود اسلام و مثل خود پیغمبر، روحی در این دنیا بدمد، فضای جدیدی ایجاد کند، راه تازه‌ای را باز کند. ما به این پدیده‌ای که در انتظار آن هستیم می‌گوییم «تمدن نوین اسلامی». ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم برای بشریت؛ این تفاوت اساسی دارد با آنچه قدرتها درباره‌ی بشریت فکر میکنند و عمل میکنند؛ این به معنای تصرف سرزمین‌ها نیست؛ این به معنای تجاوز به حقوق ملت‌ها نیست؛ این به معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملت‌ها نیست؛ این به معنای عرضه کردن هدیه‌ی الهی به ملت‌ها است، تا ملت‌ها با اختیار خود، با انتخاب خود، با تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند. راهی که امروز قدرتهای جهان ملت‌ها را به آن راه کشانده‌اند، راه غلط و راه گمراهی است. این وظیفه‌ی امروز ماست» ^۲ .
۲-۶- الگویی برای حرکت امت اسلامی	- «یک روزی مردم اروپا با استفاده از دانش مسلمین و فلسفه‌ی مسلمین توانستند از این دانش و فلسفه استفاده کنند و یک تمدنی را برای خودشان شالوده‌ریزی کنند. این تمدن البته تمدن مادی بود. از قرن شانزدهم و هفدهم میلادی اروپایی‌ها شروع کردند به شالوده‌ریزی یک تمدن جدید، و چون مادی بود از ابزارهای گوناگون بی‌محابا استفاده کردند؛ از طرفی [به سمت استعمار رفتند، به سمت مغلوب کردن ملت‌ها رفتند، به سمت غارت کردن ثروت ملت‌ها رفتند؛ از یک طرف هم خودشان را در درون تقویت کردند با علم و با فناوری و با تجربه، و این تمدن را بر عالم بشریت حاکم کردند. این کاری بوده است که اروپایی‌ها در طول چهار پنج قرن انجام دادند. این تمدنی که آنها به دنیا عرضه کردند، جلوه‌های زیبایی از فناوری و سرعت و سهولت و ابزارهای زندگی را در اختیار مردم گذاشت اما خوشبختی انسانها را تأمین نکرد، عدالت را برقرار نکرد؛ بعکس، بر فرق عدالت کوبید، ملت‌هایی را اسیر کرد، ملت‌هایی را فقیر کرد، ملت‌هایی را تحقیر کرد؛ در درون خود هم دچار تضادها شد، از لحاظ اخلاقی فاسد شدند، از لحاظ معنوی پوک و پوچ شدند. امروز خود غربی‌ها به این معنا گواهی میدهند. یک سیاستمدار برجسته‌ی غربی به من گفت دنیای ما دنیای پوچ و پوکی است و این را حس میکنیم. راست می‌گوید؛ این تمدن ظاهر پرزرق و برقی داشت اما باطن خطرناکی برای بشریت داشت. امروز تضادهای تمدن غربی خود را دارد نشان میدهد؛ در آمریکا یک‌جور، در اروپا یک‌جور، در مناطق تحت سلطه‌ی اینها در سرا سر دنیا هم یک‌جور. امروز نوبت ما است، امروز نوبت اسلام است. وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ؛ (۴) امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند. همچنان که اروپایی‌ها آن‌روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه‌ی مسلمین استفاده کردند، از فلسفه‌ی مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از

۱. دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با رهبر انقلاب ۱۳۹۵/۰۲/۰۶

۲. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۱۲/۲۰

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۴/۱۰/۰۸

مهم‌ترین محورهای تمدن اسلامی	مستندات تمدن اسلامی
۷- اسلام و تمدن اسلامی: ۷-۱- ظرفیت‌های دنیای اسلام برای برپایی تمدن نوین اسلامی: ۷-۱-۱- جمعیت خوب ۷-۱-۲- سرزمین‌های خوب ۷-۱-۳- موقعیت جغرافیایی برجسته ۷-۱-۴- منابع طبیعی بسیار ۷-۱-۵- نیروهای انسانی با استعداد ۷-۱-۶- توانایی انقلاب اسلامی ۷-۲- اسلام در تمدن اسلامی: ۷-۲-۱- اسلام حیات‌بخش ۷-۲-۲- اسلام نشاط آور ۷-۲-۳- اسلام تحرک‌آفرین ۷-۲-۴- اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف ۷-۲-۵- اسلام بدون التقاط ۷-۲-۶- اسلام شجاعت‌بخش ۷-۲-۷- اسلام هدایت کننده به سوی علم و دانش ۷-۲-۸- لزوم بالندگی بیشتر موضوعات تحقیق و تألیف دینی (فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر و ...) ۷-۲-۹- لزوم فعال کردن نهضت پاسخ به سؤالات نظری و عملی جامعه ۸- شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی: ۸-۱- ایمان ۸-۲- علم ۸-۳- پیشرفت ۸-۴- عزت ۸-۵- عدالت ۸-۶- قدرت مقابله با امواج جهانی ۸-۷- ثروت ۸-۸- اخلاق ۸-۹- مجاهدت مداوم ۹- ویژگی‌های کلی و دستاوردهای تمدن اسلامی:	دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت. این وظیفه‌ی امروز ما است. این عمدتاً خطاب به علمای دین و روشنفکران راستین است. بنده دیگر چندان امیدی به سیاستمدارها ندارم. قبلها تصور میشد که سیاستمداران دنیای اسلام در این راه بتوانند کمک کنند، [اما] متأسفانه این امید ضعیف شده است. امروز امید ما به علمای دین در سرا سر دنیای اسلام و به روشنفکران راستین [است] که غرب را قله‌ی خودشان ندانند؛ امید به آنها است و این ممکن است. نگویند این کار، شدنی نیست؛ این کار شدنی است، این کار عملی است. دنیای اسلام ابزارهای فراوانی دارد: ما جمعیت خوبی داریم، سرزمین‌های خوبی داریم، موقعیت جغرافیایی برجسته‌ای داریم، منابع طبیعی بسیاری در دنیای اسلام داریم. نیروهای انسانی با استعداد و برجسته‌ای در دنیای اسلام داریم که اگر اینها را با تعالیم اسلام مستقل بار بیاوریم، میتوانند آفرینش‌های هنرمندانه‌ی خودشان را در عرصه‌ی علم، در عرصه‌ی سیاست، در عرصه‌ی فناوری و در عرصه‌های گوناگون اجتماعی نشان بدهند و ارائه بدهند^۱. «جمهوری اسلامی یک نمونه است، یک منطقه‌ی آزمایش و یک آزمون است برای دنیای اسلام. ما قبل از اینکه اسلام بر این کشور حاکم بشود، یک ملت به تمام معنا عقب‌افتاده بودیم، وابسته بودیم؛ از لحاظ علمی عقب‌افتاده، از لحاظ سیاسی عقب‌افتاده، از لحاظ اجتماعی عقب‌افتاده، در دنیای سیاست منزوی. امروز پیشرفتهای جمهوری اسلامی، دشمنان ما را هم وادار به اعتراف کرده است؛ امروز تقریباً بعد از گذشت ۳۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، ما در رتبه‌ی علمی، در رتبه‌ی فناوری، در بسیاری از دانشهای نوین دنیا، در ردیف کشورهای پیشرفته قرار داریم. گزارشهایی که واقعیت و حقایق آنها اثبات شده است، به ما میگوید ما در یکجا رتبه‌ی هفتم هستیم، در یکجا رتبه‌ی ششم هستیم، در یکجا رتبه‌ی پنجم هستیم. ملت ایران به برکت اسلام توانست هویت خود و شخصیت خود را نشان بدهد؛ این قابل تمجید است؛ شرطش این است که سایه‌ی سنگین و شوم ابرقدرت‌ها بر سر کشورها نباشد؛ این شرط اول است؛ البته هزینه دارد و هیچ کار بزرگی بی‌هزینه نیست. من در این مجلس سنگین و مهم که شخصیت‌های مهم و بزرگی در این مجلس حضور دارند، می‌خواهم این را بگویم که امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجدانه میتواند تمدن اسلامی باب این دوران را طراحی کند، شالوده‌ریزی کند، به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت قرار بدهد^۲. «ما چه کار کنیم که از این دانشگاه با این سوابق، با این تاریخ، با این زمینه‌های تاریخی، با این میراث، با این تجربه‌ی خوب و آزمون خوبی که دانشگاه در دوران انقلاب داد و با مشکلاتی که در دانشگاه به وجود آمد -همه‌ی اینها را در کنار هم قرار بدهیم- بتوانیم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی بهره ببریم؟ چون هدف این است دیگر؛ هدف، ایجاد یک حاکمیت اسلامی است که بتواند جامعه را به جامعه‌ی مورد نظر و آرمانی اسلام تبدیل بکند؛ ما دنبال این هستیم دیگر، ما می‌خواهیم کشور خودمان -در درجه‌ی اول، حالا بحث کشورهای دیگر و مسائل بین‌المللی و جهانی را نمی‌کنیم- یک کشوری بشود که به آن خطوط آرمانی اسلام برسد که این خطوط آرمانی یک چیز مطلوب و شیرینی برای هر انسان متفکری است؛ یعنی هرکسی که بنشیند فکر کند، مطالعه کند، از این وضع آرمانی جامعه‌ی اسلامی لذت میبرد؛ جامعه‌ای که در آن، هم علم هست، هم پیشرفت هست، هم عزت هست، هم عدالت هست، هم قدرت مقابله‌ی با امواج جهانی هست، هم ثروت هست؛ یک تصویر این‌جوری؛ ما به این می‌گوییم تمدن نوین اسلامی، می‌خواهیم کشورمان به اینجا برسد. دانشگاه [در این زمینه] چه نقشی میتواند ایفا کند و چه کار باید بکند؟ اولاً نقش‌آفرینی دانشگاه لازم است، ثانیاً سؤال این است که: چه باید کرد؟ ما چه کار کنیم که بتوانیم به اینجا برسیم؟ البته این موضوع بحث امروز من نیست، چون بحث جلسه‌ای و سخنرانی‌ای نیست؛ اینها کارهای تحقیقاتی مفصلی لازم دارد؛ من فقط می‌خواهم این را تذکر بدهم که دانشگاه ما روی این فکر کند، شما

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۴/۱۰/۰۸

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۴/۱۰/۰۸

مهم‌ترین محورهای تمدن اسلامی	مستندات تمدن اسلامی
۹-۱- بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی: ۹-۱-۱- آمیختگی دنیا و آخرت: ۹-۱-۱-۱- همراهی علم و اخلاق ۹-۱-۱-۲- پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین ۹-۱-۱-۳- همراهی قدرت سیاسی و عدالت ۹-۱-۱-۴- دفاع از مظلومان عالم ۹-۱-۱-۵- همراه با معیارهای پیشرفت جهانی و مدنی ۹-۲- حکومت مردمی ۹-۳- قوانین برگرفته از قرآن ۹-۴- اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوبه‌نوی بشری ۹-۵- پرهیز از تحجر، ارتجاع، بدعت و التقاط ۹-۶- پیشرفت مادی و ایجاد رفاه و ثروت عمومی: ۹-۶-۱- پیشرفت در خصوص امنیت، آسایش، رفاه و همزیستی مهربانانه مردم ۹-۶-۲- پیشرفت در زمینه علم و فناوری و صنعت ۹-۶-۳- سیاست بین‌المللی و دیپلماسی قوی ۹-۶-۴- اقتصاد سامان یافته : ۹-۶-۴-۱- خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر ۹-۶-۵- بهره‌مند از منابع عظیم ثروت در زیر زمین و روی زمین ۹-۷- تلاش و کار و ابتکار ۹-۸- نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون: ۹-۸-۱- از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی ۹-۸-۲- از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری ۹-۸-۳- از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما	به‌عنوان مدیران دانشگاه‌ها و مسئولان دستگاه آموزش عالی کشور روی این فکر کنید؛ مسئولیت دانشگاه را بر این اساس قرار بدهید، برنامه‌ها را بر این اساس بریزید که دانشگاه با این سوابقی که گفته شد، با این ریشه‌ی عمیق تاریخی که گفته شد، با این آزمون بزرگی که از خودش در انقلاب نشان داد، این دانشگاه چه نقشی می‌تواند ایفا کند برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و آن چنان جامعه‌ای و آن چنان ایرانی؟ روی این باید فکر کنید؛ یعنی همه‌ی کارها را بر این اساس باید قرار بدهید^۱. «آرمانها چه هستند؟ جزو چیزهایی که بنده اینجا یادداشت کرده‌ام به عنوان آرمانها، یکی مسئله‌ی ایجاد جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی است؛ یعنی احیای تفکر اسلام سیاسی؛ یک‌عده‌ای از قرن‌ها پیش، سعی کردند اسلام را از زندگی، از سیاست، از مدیریت جامعه هرچه می‌توانند دور کنند و منحصرش کنند به مسائل شخصی؛ مسائل شخصی را هم یواش یواش محدود کنند به مسائل قبرستان و قبر و مجلس عقد و از این حرفها؛ نه، اسلام آمده است که «أَلَا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ (۵) فقط هم اسلام نیست؛ همه‌ی پیغمبران همین‌جورند. ادیان الهی آمده‌اند برای اینکه در جامعه پیاده بشوند، در جامعه تحقق واقعی پیدا کنند؛ این باید اتفاق بیفتد. یکی از مهم‌ترین آرمانها این است^۲. «دشمن حداکثر استفاده را از حربه‌ی تحریم دارد میکند؛ هدفشان هم این است که ملت ایران را تحقیر کنند؛ هدفشان این است که این حرکت عظیمی را که فقط روی دوش ملت ایران می‌توانست انجام بگیرد، متوقف کنند. حرکت انقلاب اسلامی، حرکت نظام اسلامی، حرکت به‌سمت تمدن نوین اسلامی را می‌خواهند متوقف کنند؛ چون میدانند این حرکت درست نقطه‌ی مقابل منافع سرمایه‌دارهای صهیونیست و کمپانی‌دارهای ظالم و خون‌خوار دنیا است. این را می‌فهمند و می‌بینند که این حرکت چطور در دنیا دارد توسعه پیدا میکند و ملتها را متوجه خودش میکند؛ می‌خواهند جلوی این را بگیرند. این تحریمها و این تهدیدها و این شرط‌وشروط‌کردن‌ها به‌خاطر این است^۳. «مسئله‌ی رویشهای نوبه‌نو در نظام جمهوری اسلامی، یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائل است. اگر هر انقلابی و هر حرکت و نهضتی در عالم، رویشهای نوین و پی‌درپی نداشته باشد، محکوم به زوال و فنا است. جمهوری اسلامی در طول این ۳۵ سال توانسته است در هر برهه‌ای از خود جلوه‌ای نو و متناسب با نیاز، بروز بدهد. افرادی نگران ریزشها بودند؛ گفته شد رویشها بر ریزشها غلبه خواهند کرد؛ و همین شد. آنچه مهم است این است که نگاه نسل نو و همه‌ی کسانی که نیروی جوانی را در خدمت به اهداف و آرمانهای بلند می‌خواهند، باید به آینده‌های روشن و دور باشد - فقط جلوی پای خودمان را نبینیم - آینده‌ی دور، ایجاد تمدن اسلامی است؛ تمدن نوین، متناسب با نیازها و ظرفیتهای امروز بشریتی که از حوادث گوناگون قرنهای اخیر زخم خورده است، مجروح است، غمگین است و نسلهای جوان آن دچار یأس و نومیدی و افسردگی‌اند. اسلام می‌تواند این نسلها را به آفاق جدیدی برساند، دلهای آنها را شاد کند و آنها را آن‌چنان که متناسب و شایسته‌ی کرامت انسان است، کرامت ببخشد؛ تمدن نوین اسلامی یعنی این. و شما هسته‌های مهم و اساسی و اصلی در ایجاد این تمدنید. آینده متعلق به شما است. سازندگان آینده‌ی کشور و آینده‌ی این تمدن و در واقع آینده‌ی جهان، شما جوانهای امروزید. بخشی از مجموعه‌ی روبه‌رشد رویشها در نظام جمهوری اسلامی در این بخش یعنی در دانشگاه امام حسین تحقق پیدا میکند. در هرجا هستید؛ چه آنهایی که در این دانشگاه‌ها، و چه همه‌ی جوانها در هر نقطه‌ای از کشور که احساس تعهد میکنند، می‌توانند نقش‌آفرین باشند^۴. «همه‌ی دستگاه‌ها در دولت، وظیفه‌ی پشتیبانی آموزش و پرورش را دارند؛ چه دستگاه‌هایی که به برنامه‌بودجه می‌پردازند، و چه دستگاه‌هایی که آنها را در مجلس شورای اسلامی تأیید میکنند و تصویب

۱. بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ۱۳۹۴/۰۸/۲۰

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

۳. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

۴. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۳/۰۲/۳۱

۱۰- نیازها و بایدهای برپایی تمدن

اسلامی:

۱۰-۱- پیشرفت همه جانبه و مجاهدت

دائم، لازمه تمدن سازی نوین اسلامی

۱۰-۲- لزوم القای باور تمدن سازی

اسلامی به مردم

۱۰-۳- لزوم استفاده از دانش جهان و

ابزارهای موجود جهانی

۱۰-۴- لزوم ادای وظیفه علمای دین و

روشنفکران راستین

۱۰-۵- لزوم تلاش مجاهدانه و مجدانه

امت اسلامی

۱۰-۶- لزوم تحقیق دانشگاه ها برای

ایجاد تمدن نوین اسلامی

۱۰-۷- مسجد، زمینه ساز ایجاد تمدن

اسلامی

۱۰-۸- حوزه علمیه، بالا برنده بنای

شامخ تمدن اسلامی

۱۰-۹- نیروهای مسلح، موثر در

تشکیل تمدن نوین اسلامی

۱۰-۱۰- نقش موثر آموزش و پرورش و

دانشگاه در شکل گیری تمدن نوین

اسلامی

۱۰-۱۱- نقش موثر جوانان در ایجاد

تمدن نوین اسلامی

۱۰-۱۲- ایجاد تمدن نوین اسلامی

نیازمند نظام صحیح حرکت منطقی

۱۰-۱۳- ایجاد تمدن اسلامی، نیازمند

رویش های نوین

۱۰-۱۳- تشکيل تمدن اسلامی

نیازمند بیداری اسلامی

۱۰-۱۴- تمدن سازی نوین اسلامی

نیازمند فداکاری و ایثار و شهادت

۱۰-۱۵- تمدن سازی نوین اسلامی

نیازمند صبر و بصیر و اعتماد

میکند، باید نگاه همه‌ی آنها به آموزش و پرورش یک چنین نگاهی باشد. تصور نکنند که اینجا جایی است که فقط هزینه‌بر است - گاهی نگاه، این جور است؛ میگویند دستگاه هزینه‌بر - نه، اینجا دستگاهی است که هر چه شما هزینه کنید، به طور مضاعف دستاورد خواهید داشت؛ اینجا جایی است که ثروت سازان آینده، علم سازان آینده، تمدن سازان آینده، مدیران آینده، از اینجا به وجود خواهند آمد و خلق خواهند شد. این جور نیست که ما خیال کنیم آموزش و پرورش فقط برای ما هزینه دارد؛ نخیر، دستاوردهایی بزرگ‌تر از دستاوردهای آموزش و پرورش وجود ندارد. هر چه شما در سرتاسر کشور از جلوه‌های پیشرفت و دستاورد و ابتکار می‌بینید، ریشه‌ی آن اینجا است؛ اینجا را درست کنید تا همه‌جا درست بشود^۱.

- «نگذارید دانشگاه جولانگاه حرکت‌های سیاسی بشود. اینکه ما جوان را به عنوان یک موتور محرک تحولات سیاسی بپذیریم، حرف من است. من یک وقتی این مطلب را گفتم، بعضی از همین آقایانی که حالا دم از دانشگاه میزنند، من را ملامت کردند که شما این جوانها را به هوس انداختید، به هیجان انداختید؛ نه، من اعتقاد دارم به این قضیه؛ نسل جوان در هر جامعه، موتور حرکت تحولات اجتماعی و تحولات سیاسی است؛ بخصوص جوان دانشجو؛ طبیعتش این است. این حرف دیگری است؛ این غیر از این است که ما دانشگاه را محلّ جولان گرایشهای سیاسی که بعضی شان مخالف با اصل نظامند یا مخالف با جهت گیری‌های نظامند بکنیم. این را باید حتماً مراقبت کنید و جلوی آن را بگیرید. در این زمینه من این جمله را هم عرض بکنم؛ یک "میتوانیم" ای را ملت ما گفته؛ نگذارید این "میتوانیم" تبدیل بشود به عکس آن. گفتند ما میتوانیم به قلعه‌های رفیع علمی برسیم؛ میتوانیم مرجع علمی جهان بشویم؛ میتوانیم خودمان را از حقارت علمی نجات بدهیم، که امروز نجات دادند و دشمنان ما، مخالفین ما دارند اعتراف میکنند که ایران به دانش دست یافته؛ نه فقط در زمینه‌های هسته‌ای، در زمینه‌های دیگر هم همین را دارند میگویند و اعتراف میکنند. این "میتوانیم" را که در روح این جوانهای ما دارد جولان میکند، نگذارید از بین برود؛ شما هم بگویید میتوانیم و دنبال کنید این میتوانیم را. ما میتوانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود؛ این کارها را میتوانیم انجام بدهیم، که به توفیق الهی هم [این کار را] میکنیم^۲.

- «جوانها! بدانید، بدون هیچ گونه تردیدی آینده‌ی روشن و امیدبخش این کشور و این نظام متعلق به شما است؛ شما خواهید توانست کشورتان و ملتتان را به اوج افتخار برسانید؛ شما به توفیق الهی خواهید توانست الگو و نمونه‌ی کامل تمدن نوین اسلامی را در این آب و خاک تشکیل بدهید؛ برای اینکه بتوانید این وظائف بزرگ را انجام بدهید، بایستی دین را، تقوا را، عفت را، پاکیزگی روحی را در میان خودتان هر چه بیشتر ترویج کنید و تقویت کنید. جوان امروز احتیاج دارد به دین، به تقوا، به علم، به نشاط کار، به امانت، به عفت، به [انجام] خدمات اجتماعی و به ورزش؛ اینها خصوصیات است که جوان امروز به آن احتیاج دارد و شما عزیزان بسیجی من ان شاء الله توفیق انجام این کار را داشته باشید^۳.

- «نرمش قهرمانانه به معنای مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود است؛ به معنای این است که سالک راه خدا - در هر نوع سلوکی - به سمت آرمانهای گوناگون و متنوع اسلامی که حرکت میکند، به هر شکلی و به هر نحوی هست، باید از شیوه‌های متنوع استفاده کند برای رسیدن به مقصود. وَ مَنْ يُؤْلِهْم يَوْمِئِذٍ دَبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ؛ هرگونه حرکتی - چه حرکت به جلو، چه حرکت به عقب - مثل میدان رزم نظامی، باید به دنبال رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده باشد. اهدافی وجود دارد؛ نظام اسلامی در هر مرحله‌ای یکی از این اهداف را دنبال میکند، برای پیشرفت، برای رسیدن به نقطه‌ی تعالی و اوج، برای ایجاد تمدن عظیم اسلامی؛ باید سعی کند به این هدف در این مرحله برسد. البته مرحله گذاری است، قطعه قطعه است. راهنمایان و هادیان و متفکران و مسئولان

۱. بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور ۱۳۹۳/۰۲/۱۷

۲. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۲/۰۹/۱۹

۳. بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۰۸/۲۹

مهم‌ترین محورهای تمدن اسلامی	مستندات تمدن اسلامی
۱۰-۱۶- لزوم تحقق جایگاه تمدنی مطلوب قرآن	مربوط، این قطعات را معین میکنند، هدفگذاری میکنند، حرکت جمعی آغاز میشود. همه باید تلاش کنند که هر حرکتی در هر مرحله‌ای به اهداف خودش برسد. این آن نظام صحیح حرکت منطقی است ^۱ ».
۱۰-۱۷- ضرورت ترسیم اهداف بلندمدت	«سألهاست که ما یک مسأله را در کتابها می‌گنجانیم؛ بعضی‌ها خارج میکنند، بعضی‌ها داخل میکنند. ببینیم چه لازم است از معارف الهی، معارف اسلامی، معارف مدنی، معارف تمدن ساز، معارف انسان ساز؛ معارفی که یک ملت را سربلند میکند، پیشرو میکند، پیش‌تاز میکند؛ که اگر در کتابهای ما وجود ندارد، آنها را بگنجانیم» ^۲ .
۱۰-۱۸- لزوم گنجاندن معارف تمدن ساز در کتاب‌ها	«جهاد مداوم، نیاز همه است. همه‌ی پیشرفت‌ها، همه‌ی تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق آفرین است. جهاد، شادی و نشاط آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، اینها می‌شود کفران نعمت الهی؛ «ألم تر ألی الذین بدلوا نعمت الله کفرا و احلوا قومهم دار البوار»؛ این نباید بشود» ^۳ .
۱۰-۱۹- لزوم طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی	«موضوع «بیداری اسلامی» که شما در این اجلاس به آن خواهید پرداخت، امروزه در صدر فهرست مسائل جهان اسلام و امت اسلامی است؛ پدیده‌ی شگرفی است که اگر باذن الله سالم بماند و ادامه یابد، قادر خواهد بود سربرآوردن تمدن اسلامی را در چشم‌اندازی نه چندان دور دست، برای امت اسلامی و آنگاه برای جهان بشریت رقم زند» ^۴ .
۱۰-۲۰- تمدن سازی نیازمند مکتب و ایدئولوژی و ایمان	«واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی که دشمنان ما بدان اعتراف میکنند، همه در سایه‌ی اعتماد به وعده‌ی الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده است. مردم ما همواره در برابر وسوسه‌ی ضعفائی که در مقاطع اضطراب‌انگیز، ندای: «آنا لمدرکون» سر میدادند، نهیب زده‌اند که: «کلاً آن‌معی ربی سیه‌دین». امروز این تجربه‌ی گرانبه‌ای در دسترس ملت‌هایی است که در برابر استکبار و استبداد قد علم کرده و توانسته‌اند حکومت‌های فاسد و گوش‌به‌فرمان و وابسته به آمریکا را سرنگون ساخته یا متزلزل کنند. ایستادگی و صبر و بصر و اعتماد به وعده‌ی: «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز» خواهد توانست این مسیر افتخار را تا رسیدن به قله‌ی تمدن اسلامی، در برابر امت اسلامی هموار کند» ^۵ .
۱۰-۲۱- نیاز تمدن سازی اسلامی نوین به ایمان و دین و عقلانیت و علم و اخلاق	«دومین نکته، لزوم ترسیم هدف بلندمدت برای بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان است؛ نقطه‌ی متعالی و والائی که بیداری ملت‌ها را باید سمت و سو دهد و آنان را به آن نقطه برساند. با شناسائی این نقطه است که میتوان نقشه‌ی راه را ترسیم کرد و هدف‌های میانی و نزدیک را در آن مشخص نمود. این هدف نهائی نمیتواند چیزی کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد. امت اسلامی با همه‌ی ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه‌ی اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه‌ی ظرفیتهای مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در
۱۰-۲۲- تمدن سازی نوین اسلامی نیازمند نظام سازی، قانون نویسی و مدیریت کشور و انقلاب	
۱۰-۲۳- قواعد محکم نهاده شده به دست امام، از پایه های شکل گیری تمدن عظیم اسلامی	
۱۰-۲۴- شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین، پرهیز از تقلید غربی	
۱۰-۲۵- تمدن اسلامی نیازمند شناسایی نیازهای حقیقی و اساسی کشور	
۱۰-۲۶- تمدن اسلامی نیازمند فکر و نیروی انسانی	
۱۰-۲۷- برپا داشتن تمدن اسلامی نیازمند ذکر خدا	
۱۰-۲۸- تشکیل تمدن اسلامی نیازمند مشاوره و مناظره و فضای انتقادی سالم	

۱. بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۰۸/۲۹

۲. بیانات در دیدار جمعی از فرهنگیان ۱۳۹۲/۰۲/۱۸

۳. بیانات در دیدار جمعی از مداحان ۱۳۹۲/۰۲/۱۱

۴. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۰۲/۰۹

۵. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۰۲/۰۹

مستندات تمدن اسلامی	مهم‌ترین محورهای تمدن اسلامی
تلاش و کار و ابتکار، میتوان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است. تجربه نشان داده است که اینها همه، کارهای ممکن و در دسترس تواناییهای جوامع ما است. نباید با نگاه شتابزده یا بدبینانه به این چشم‌انداز نگریم. بدبینی به تواناییهای خود، کفران نعمت الهی است؛ و غفلت از امداد الهی و کمک سنتهای آفرینش، فرو لغزیدن به ورطه‌ی: «الظَّالِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ» است. ما میتوانیم حلقه‌ی انحصارات علمی و اقتصادی و سیاسی قدرتهای سلطه‌گر را بشکنیم و امت اسلامی را پیشرو احقاق حق اکثریت ملتهای جهان که اینک مقهور اقلیت مستکبرند، باشیم. تمدن اسلامی میتواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه‌ی پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه‌ی بشریت هدیه دهد و نقطه‌ی رهایی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاقی به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی غربند، باشد». «لزم طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت درواقع ارائه‌ی محصول انقلاب اسلامی و طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه‌ی عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه‌ی اسلام است. بنابراین افق کار باید بلندمدت و همراه با افزایش عمق دیده شود». «ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، نظامی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه‌ی سیاست، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، هم در زمینه‌ی اختراعات - که شما حالا اینجا نمونه‌اش را ملاحظه کردید و این جوان عزیز برای ما شرح دادند - و از این قبیل، الی ماشاءالله در سرتاسر کشور انجام گرفته است. در بخش ابزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریمها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است. اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مأمور، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است. تمدن نوین اسلامی - آن چیزی که ما میخواهیم عرضه کنیم - در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل میشود؛ اینها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن میگویند: عقل معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول در آوردن و پول خرج کردن نیست، که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه‌ی این عرصه‌ی وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است. در کتب حدیثی اصیل و مهم ما ابوابی وجود دارد به	۱۰-۲۹- تشکیل تمدن اسلامی نیازمند آزادی بیان با حمایت حکومت اسلامی و هدایت علما و صاحب‌نظران ۱۰-۳۰- برپایی تمدن اسلامی نیازمند هدایت الهی و کمک‌های معنوی غیبی ۱۰-۳۱- برپایی تمدن اسلامی نیازمند ادعیه زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله الاعظم ۱۰-۳۲- فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی، پایه اصلی تمدن اسلامی ۱۱- ضرورت برپایی تمدن اسلامی: ۱۱-۱- آشکار شدن تضادهای تمدن غربی و لزوم برپایی تمدن نوین اسلامی ۱۱-۲- ایجاد تمدن اسلامی از مهم‌ترین آرمان‌های نظام ۱۱-۳- تمدن‌سازی نوین اسلامی، وظیفه دنیای اسلام ۱۱-۴- شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، تحقق کامل وعده الهی ۱۱-۵- حرکت به سمت ایجاد تمدن اسلامی، معنای واقعی سیاست: ۱۱-۵-۱- سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم ۱۱-۶- تمدن اسلامی، گام‌نهایی در مراحل پنج‌گانه اهداف انقلاب اسلامی ۱۱-۷- تمدن اسلامی باعث گسترش فرهنگ اسلامی در فضای عمومی بشریت ۱۱-۸- رسیدن به تمدن اسلامی، خط کلی نظام اسلامی: ۱۱-۸-۱- سیر منطقی و تکاملی نظام اسلامی ایران برای ایجاد تمدن اسلامی

۱. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۰۲/۰۹

۲. دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با رهبر انقلاب ۱۳۹۱/۱۲/۱۴

۱۲- قطعات ایداد تمدن نوین

اسلامی:

۱۲-۱ پیروزی انقلاب اسلامی در

ایران، نشانه وعده تخلف‌ناپذیر شکل

گیری تمدن اسلامی

۱۲-۲ قطعی و اجتناب‌ناپذیر بودن

تشکیل تمدن اسلامی

۱۲-۳ قطعیت برپایی تمدن اسلامی

کامل در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله

نام «کتاب‌العشره»؛ آن کتاب‌العشره درباره‌ی همین چیزهاست. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به این چیزهاست.

خب، میشود این بخش را به منزله‌ی بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد؛ و آن بخش اول را، بخشهای سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه‌ی پیشرفتهائی که در بخش اول کردیم، نمیتواند ما را رستگار کند؛ نمیتواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته. در آنجا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسانها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و پوچی هست؛ با اینکه ثروت هست، بمب اتم هست، پیشرفتهای گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست. اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟ بعد از آنکه علتها را پیدا کردیم، آن وقت بپردازیم به این که چگونه میتوانیم اینها را علاج کنیم. اینها به عهده‌ی کیست؟ به عهده‌ی نخبگان - نخبگان فکری، نخبگان سیاسی - به عهده‌ی شما، به عهده‌ی جوانها. اگر در محیط اجتماعی ما گفتمانی به وجود بیاید که ناظر به رفع آسیبها در این زمینه باشد، میتوان مطمئن بود با نشاطی که نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران دارند، با استعدادی که وجود دارد، ما در این بخش پیشرفتهای خوبی خواهیم کرد؛ آن وقت درخشندگی ملت ایران در دنیا و گسترش اندیشه‌ی اسلامی ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران در دنیا آسانتر خواهد شد. باید آسیب‌شناسی کنید و بعد علاج کنید^۱.

- «یک نقطه‌ی اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخشها امکان‌پذیر نیست؛ کار در دست انجام نمیگیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، میتواند لیبرالیسم باشد، میتواند کاپیتالیسم باشد، میتواند کمونیسم باشد، میتواند فاشیسم باشد، میتواند هم توحید ناب باشد؛ بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله‌ی ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. براساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد. پس بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمیتوان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده‌ی همه‌ی اینها خواهد شد. آن که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار میدهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت میکند، همه‌ی این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد. بنابراین، این مطلب اول، که احتیاج به ایمان است. کشاندن جامعه به بی‌ایمانی، یکی از همان توطئه‌هایی است که دشمنان تمدن‌سازی اسلامی دنبال آن بوده‌اند و الان هم با شدت این را دارند دنبال میکنند. جامعه‌ی بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه میشود یک حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمیخواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بنده‌ی خدا باشد؛ جبهه‌ی عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده‌ی خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام میخواهد؛ میخواهد انسان بسازد، الگوی انسان‌سازی است. پس در درجه‌ی اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام، پیدا کرده‌ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام

است. در اخلاقیات اسلام، در آداب زندگی اسلامی، همه‌ی آنچه را که مورد نیاز ماست، میتوانیم پیدا کنیم؛ باید اینها را محور بحث و تحقیق خودمان قرار دهیم. ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده‌ایم؛ باید در اخلاق اسلامی و عقل عملی اسلامی هم یک کار پرحجم و باکیفیتی انجام دهیم - حوزه‌ها مسئولیت دارند، دانشوران مسئولیت دارند، محققان و پژوهشگران مسئولیت دارند، دانشگاه مسئولیت دارد - آن را مبنای برنامه‌ریزی‌مان قرار دهیم، آن را در آموزشهای خودمان وارد کنیم؛ این چیزی است که امروز ما به آن احتیاج داریم و باید دنبال کنیم. این مطلب اول و نکته‌ی اول در باب تمدن سازی نوین اسلامی و به دست آوردن و رسیدن به این بخش اساسی از تمدن است، که سلوک عملی است»^۱.

- «فرهنگ غربی فقط هواپیما و وسائل آسایش زندگی و وسائل سرعت و سهولت نیست؛ اینها ظواهر فرهنگ غربی است، که تعیین کننده نیست؛ باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه‌ی اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سالهای متمادی، یک چیزهایی را عادت کرده‌ایم تقلید کنیم. بنده طرفدار این نیستیم که حالا در مورد لباس، در مورد مسکن، در مورد سایر چیزها، یکباره یک حرکت جمعی و عمومی انجام بگیرد؛ نه، این کارها باید بتدریج انجام بگیرد؛ دستوری هم نیست؛ اینها فرهنگ‌سازی لازم دارد. همان طور که گفتیم، کار نخبگان است، کار فرهنگ‌سازان است. و شما جوانها باید خودتان را برای این آماده کنید؛ این، رسالت اصلی است. ما از علم ترویج میکنیم، از صنعت ترویج میکنیم، از اختراع و نوآوری ترویج میکنیم، هر مبتکری و هر ابتکاری را با احترام تمام بر روی چشم مینشانیم - این به جای خود محفوظ - اما همان طور که گفتیم، اصل قضیه جای دیگر است؛ اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخش، ما پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی میخواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد. اگر آن تمدن به وجود آمد، آن وقت ملت ایران در اوج عزت است؛ ثروت هم دنبالش هست، رفاه هم دنبالش هست، امنیت هم دنبالش هست، عزت بین‌المللی هم دنبالش هست؛ همه چیز با او خواهد بود، همراه با معنویت»^۲.

- «باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش آنهاست؛ و یکی از حدود و ثغور این کار، مواجهه‌ی با تمدن غرب است، به صورتی که تقلید از آن انجام نگیرد»^۳.
- «انقلاب اسلامی تواناست. آن قدرتی و ظرفیتی و انرژی متراکمی که در انقلاب اسلامی وجود دارد، این توانائی را دارد که همه‌ی این موانعی را که من گفتم و بسیاری‌اش را هم نگفتم، از سر راه بردارد و آن تمدن ممتاز برجسته‌ی متعالی باشکوه اسلامی را جلوی چشم همه‌ی دنیا برقرار کند؛ و این در زمان شما خواهد بود، ان شاء الله به دست شما خواهد بود، با همت شما خواهد بود. هر چه میتوانید، خودتان را از لحاظ علم و عمل و تزکیه و تقویت روح و تقویت جسم - همان طوری که بارها عرض شده - آماده کنید و ان شاء الله این بار سنگین را به دوش بگیرید»^۴.

- «خانواده‌های عزیز رزمندگان ما، چه رزمندگان ارتش، چه سپاه، چه بسیج، چه نیروی انتظامی، چه کارکنان وزارت دفاع - همینهایی که فرماندهی محترم اسام آوردند - و همسران آنها بدانند که به کی دارند کمک میکنند، شریک زندگیشان کیه. شریک زندگی شما جزو کسانی است که در این بنای رفیع و باشکوه، نقشهای حساس دارد؛ نیروهای مسلح این جورند دیگر. به تعبیر امیرالمؤمنین: «حصون

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

۲. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

۳. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

۴. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

الرعيّة» (۷) حصارهای رعیتند، حصارهای ملتند، حصارهای معنوی کشورند. وجود نیروهای مسلح مستقل، آگاه، مبتکر، شجاع، فداکار، بدون اینکه گلوله‌ای هم شلیک بکنند، برای یک کشور امنیت‌آور است؛ دشمنان را سر جای خود شان می‌نشانند. یک چنین اهمیتی دارند نیروهای مسلح. شما همسران اینها هستید. بله، فرماندهی محترم از قول من نقل کردند - من هم تا حالا شاید ده بار یا بیشتر گفته‌ام - که شما مردها هر فضیلتی را که میتوانید در میدان مجاهدات عمومی و بزرگ به دست بیاورید، نصفش مال این خانمی است که با شما شریک زندگی است، با شما دارد زندگی میکند. اگر همسر یک کسی که وارد میدان است - وارد میدان مجاهدت و کار و تلاش - با او همراه نباشد - یا نق بزند یا مزاحمت کند یا زندگی با او را سخت بداند، همراهی نکند با او - او نمیتواند کار بکند. اگر خوب میتوانید کار کنید، ناشی از برکات وجود این همسر خوب و مهربان است. این را خود همسران، اول تشخیص بدهند. خود شما قدر بدانید همسری مردی را که زحمت میکشد و نصف اجرش مال شماست. مردی را که در بنای رفیع نظام جمهوری اسلامی و نظام اسلامی نوین - که ان شاء الله زمینه ساز تمدن نوین اسلامی است - نقش دارد، شما قدر بدانید. این مردی که همسر شماست، با این هویت پیش شما شناخته بشود. فرزندان هم همین جور. بچه‌ها و فرزندان کارکنان نیروهای مسلح باید افتخار کنند، ببالند به پدرانشان^۱.

- «خواست عمومی ملت‌هایتان بازگشت به اسلام است؛ که البته به مفهوم «بازگشت به گذشته» نیست. اگر انقلابها باذن الله واقعی بمانند و ادامه یابند و دچار توطئه یا استحاله نگردند، مسئله‌ی اصلی شما، چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلابها خواهد بود؛ این همان مسئله‌ی مهم تمدن‌سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است. در این جهاد بزرگ، کار اصلی شما این خواهد بود که چگونه یک تاریخ عقب‌ماندگی و استبداد و بی‌دینی و فقر و وابستگی حاکم بر کشورهايتان را در کوتاه‌ترین زمانها ان شاء الله جبران کنید و چگونه با رویکرد اسلامی و به شیوه‌ای مردم سالارانه و رعایت عقلانیت و علم، جامعه‌سازی کنید و تهدیدهای داخلی و خارجی را یک به یک از سر بگذرانید؛ چگونه «آزادی و حقوق اجتماعی» منهای «لیبرالیزم»، و «برابری» منهای «مارکسیزم»، و «نظم» منهای «فاشیسم غرب» را نهاده‌ی کنید؛ چگونه تقید خویش به شریعت مرقی اسلام را حفظ کنید، بی‌آنکه گرفتار جمود و تحجر شوید؛ چگونه مستقل شوید، بی‌آنکه منزوی شوید؛ چگونه پیشرفت کنید، بی‌آنکه وابسته شوید؛ چگونه مدیریت علمی کنید، بی‌آنکه سکولاریزه و محافظه‌کار شوید^۲.

- «نظام‌سازی کار بزرگ و اصلی شما است. این کاری پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایشهای چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کند. اردوگاه شرق چپ فرو ریخت و بلوک غرب فقط با خشونت و جنگ و خدعه بر سر پا مانده و عاقبت خیری برای آن متصور نیست. گذشت زمان به زیان آنها و به سود جریان اسلام است. هدف نهائی را باید امت واحده‌ی اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه‌ی دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار داد^۳.

- «معارف بلند اسلامی و قرآنی را از خود قرآن و از نهج البلاغه و از بعضی از روایات اهل بیت - روایات اصول کافی در بخشهایی - اخذ کنید. باین منابع، انس پیدا کنید. شعر آئینی خیلی دامنه‌ی وسیعی دارد و شما میتوانید بر روی ذهنیت جامعه اثر بگذارید. روایتی است در تحف العقول، که وصیت امام صادق (علیه السلام) است به عبدالله بن جندب. همین طور قسمت قسمت است: یا ابن جندب، یا ابن جندب. این روایت، پر از حکمت است. واقعاً همه‌ی چیزهایی که ما برای خلیقات شخصی‌مان، معاشرتهای اجتماعی‌مان، فعالیتهای عمومی‌مان و برای بنای تمدن اسلامی نیاز داریم، در این روایت و نظائرش پیدا می‌شود. اینی که عرض کردم، یک نمونه و مثال است؛ از این قبیل نمونه‌ها زیاد است و میتوانید مراجعه

۱. بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه‌ی شمال کشور و خانواده‌های آنان ۱۳۹۱/۰۶/۲۸

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

۳. بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۰۶/۲۶

کنید. بنابراین شعر آئینی را متکی و مستند کنید به این معارف حقه‌ی الهیه، با این منابعی که عرض شد^۱.

- «امام خبرگان ملت را از طریق انتخابات مأمور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند. آن تدوین‌کنندگان قانون اساسی، با انتخاب ملت این کار را انجام دادند. اینجور نبود که امام یک جمع خاصی را بگذارد که قانون اساسی بنویسند؛ به عهده‌ی ملت گذاشته شد. ملت خبرگانی را با شناسائی خود، با معرفت خود انتخاب کردند و آنها قانون اساسی را تدوین کردند. بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آراء مردم قرار داد و رفرا دوم قانون اساسی در کشور تشکیل شد. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام است. ببینید، پایه‌های نظام را امام اینجور مستحکم کرد. هم از لحاظ حقوقی، هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ فعالیت اجتماعی، هم از لحاظ پیشرفتهای علمی، امام یک قاعده‌ی محکم و مستحکمی را به وجود آورد که بر اساس این قاعده میشود تمدن عظیم اسلامی را بنا نهاد^۲.

- «در باب حادثه‌ی هفت تیر آنچه که بیش از همه اهمیت دارد این است که در این حادثه عزیزترین و برجسته‌ترین عناصر انقلاب در معرض فداکاری قرار گرفتند و فدا شدند. شخصیتی مثل شهید بهشتی که یک عنصر بی‌نظیر، لاقل کم‌نظیر در مجموعه‌ی انقلاب بود، در خدمت انقلاب و در جهت انقلاب قربانی شد. آن تعداد از شخصیتها و نخبگان سیاسی و مدیران ارشد دستگاهها، وزراء، نمایندگان مجلس، فعالان عرصه‌ی سیاست جمهوری اسلامی، که هر کدامی برای خودشان یک شخصیتی بودند - ما با بسیاری از اینها از نزدیک آشنا بودیم، با بعضی کار کرده بودیم - این خیلی مهم است که در این تراز، شخصیهائی جانشان کف دستشان باشد و در معرض شهادت قرار بگیرند و در این راه قربانی بشوند. بالاخره یک کشور، یک نظام، یک تمدن، بدون فداکاری و قربانی دادن و خون دادن که به جایی نمیرسد؛ اینها پیشروان این راه بودند^۳.

- «من با اطمینان کامل میگویم: این هنوز آغاز کار است، و تحقق کامل وعده‌ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نشانه وعده تخلف‌ناپذیر شکل‌گیری تمدن اسلامی. نشانه‌ی این وعده‌ی تخلف‌ناپذیر در اولین و مهمترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه‌ی نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه‌ی حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد. سر بر آوردن این پدیده‌ی معجزآسا، درست در اوج هیاهوی مادیگری و اسلام‌ستیزی چپ و راست فکری و سیاسی، و آنگاه مقاومت و استحکام آن در برابر ضربات سیاسی و نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی که از همه سو نواخته میشد، در دنیای اسلام امیدی تازه برانگیخت و شوری در دلها پدید آورد. هر چه زمان گذشته، این استحکام - به حول و قوه‌ی الهی - بیشتر و آن امید ریشه‌دارتر شده است. در طول سه دهه‌ای که بر این ماجرا میگذرد، خاورمیانه و کشورهای مسلمان آسیا و آفریقا، صحنه‌ی این هم‌آوردی پیروزمندانه است^۴.

- «چشم‌انداز حرکت ملت ایران با این زمینه‌ای که مشاهده می‌کنید، چشم‌انداز بسیار روشنی است؛ هم میراث گذشته‌ی ما، هم موجودی استعداد بسیار ارزنده‌ی ما، هم همت و انگیزه‌ای که در بیانات دوستان این جلسه به طور واضح این انگیزه و این اهتمام احساس می‌شود و هم گرایش دینی و خدائی در این حرکت، همه در مجموع یک ثروت عظیم ملی است برای ما. همه‌ی این‌ها به ما نوید می‌دهد که ما این

۱. بیانات در دیدار جمعی از شرع‌ای آئینی ۱۳۹۰/۰۳/۲۵

۲. بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۹۰/۰۳/۱۴

۳. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه ۱۳۸۸/۰۴/۰۷

۴. پیام به کنگره عظیم حج ۱۳۸۷/۰۹/۱۷

شاء الله خواهیم توانست تمدن اسلامی متعلق به ملت ایران را برای این دوره و برای امت اسلامی در این زمان بار دیگر سر دست بیاوریم و الگوئی را برای حرکت امت اسلامی إن شاء الله ارائه بدهیم^۱.

«در همه میدان‌های جنگ -هم میدان جنگ نظامی، هم میدان جنگ سیاسی، هم میدان جنگ اقتصادی، هم میدان جنگ تبلیغاتی- ذکر خدا کنید که این ذکر خدا موجب فلاح و کامیابی شماست. ذکر خدا پشتوانه ثبات قدم است. بنابراین ذکر موجب می‌شود که ما بتوانیم در آن صراط مستقیم سلوک کنیم؛ پیش برویم. آن هدفی که ترسیم کردیم برای خودمان به‌عنوان مؤمن، به‌عنوان مسلمان، به‌عنوان پیرو یک مکتب مرفعی، به‌عنوان کسانی که انگیزه داریم برای برپا داشتن این بنای رفیعی که خبر از شکوفائی تمدن اسلامی در آینده و در قرون آینده می‌دهد، احتیاج داریم به ذکر خدا تا بتوانیم در این جاده حرکت کنیم^۲».

«ما نمی‌خواهیم دل خودمان را به این خوش کنیم که ملت ایران در سطح بین‌المللی یا در سطح بین‌الملل اسلامی سربلند و عزیز و آبرومند است؛ این هست؛ اما ما به این اکتفا نمی‌کنیم. ما باید این توانایی را از خودمان نشان بدهیم که بتوانیم یک جامعه‌ای بسازیم که مورد رضای اسلام باشد. این کار را باید بکنیم؛ وظیفه‌ی ما این است. و اتفاقاً آن نقطه‌ی اساسی‌ای که دشمنان توطئه‌گر اسلام در سطح جهان به آن توجه دارند و می‌خواهند آن انجام نگیرد، همین است. آن کشور و جامعه‌ای که مورد نظر اسلام است، باید هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی، پیشرو باشد. کشور ما از لحاظ مادی باید در آن، علم و تجربه و فناوری در سطوح بالا قرار بگیرد. از لحاظ ساخت و ارتباطات اجتماعی مردم در زمینه‌ی اقتصاد و بقیه‌ی موارد، ارتباط مردم با یکدیگر، باید ارتباطات سالم، قوی و نشان‌دهنده‌ی پیشرفت و شکوفایی باشد؛ باید استعدادها در آن جامعه بشکفت. همه‌ی ازسازمانها بتوانند در آن با توان خداداده‌ی خود در پیشبرد اهداف زندگی، به یکدیگر کمک و با هم همکاری کنند. در آن جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان بودن همه‌ی برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصت‌هاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه‌ی عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این اطمینان پیدا کنند. در چنین جامعه‌ای، معنویت و اخلاق هم باید به قدر حرکت پیش‌رونده‌ی مادی پیشرفت کند. دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود. انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه‌ای بایستی رایج شود. اینجاست که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، خود را نشان می‌دهد؛ ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت با هم. تمدن مادی غرب در علم و تکنولوژی پیشرفت کرد. در روش‌های پیچیده‌ی مادی، توفیقات بزرگی به دست آورد؛ اما در کفه‌ی معنوی روزبه‌روز بیشتر خسارت کرد. نتیجه این شد که علم و پیشرفت تمدن مادی غرب، به ضرر بشریت تمام شد. علم باید به سود بشریت تمام شود. سرعت و سهولت و ارتباطات زوددسترس، باید در خدمت آرامش و امنیت و راحتی مردم باشد. آن علمی که از ترس دستاورد آن - یعنی از ترس بمب اتم و موشک دوربرد و انفجار نادانسته - مردم شب و روز نداشته باشند، آن علم برای بشریت مفید نیست. دنیای غرب با پیشرفت علمی خود، در این دام خطرناک افتاد. تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را می‌خواهد؛ اما برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و همزیستی مهربانانه‌ی مردم با یکدیگر^۳».

«برای یک کشور خیلی مهم است که اولاً، نیازهای حقیقی و اساسی خودش را درست بشناسد و تصمیم بگیرد که این نیازها را برطرف کند؛ ثانیاً، ابزار برطرف کردن این نیازها را که در درجه‌ی اول، فکر و نیروی انسانی است، در اختیار داشته باشد؛ این برای یک کشور خیلی مهم و تاریخ‌ساز است؛ این

۱. بیانات در دیدار نخبگان و فرهیختگان استان فارس ۱۳۸۷/۰۲/۱۷

۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۶/۰۶/۳۱

۳. بیانات در دیدار مردم شاهرود ۱۳۸۵/۰۸/۲۰

تمدن ساز است. فرق کشورهایایی که می‌توانند سرنوشت خود و بلکه بخشی از دنیا را به دست بگیرند، با آن کشورهایایی که مثل پر کاهی در امواج سیاه ستهای جهانی به این طرف و آن طرف می‌روند، در همین است. کلید اصلی هم علم و بر اثر علم، فناوری است؛ بایستی آن کشور و ملتی که تصمیم دارد سرنوشت خودش را خودش بسازد و خودش، خودش را به خوشبختی برساند، این کلید را پیدا کند^۱.

«حقایق بشری و اصلتهای بشری با گذشت زمان تغییر پیدا نمی‌کنند. انسانها از اول تاریخ تا امروز و از امروز تا پایان دنیا، همیشه عدالت را دوست داشته‌اند و به عدالت نیازمند بوده‌اند؛ این تغییر پیدا نمی‌کند. انسانها از اول تاریخ تا امروز و از امروز تا آخر دنیا به مسئولانی که نسبت به آن‌ها وفادار باشند، در خدمت آن‌ها باشند و برای آن‌ها صادقانه عمل کنند، احتیاج دارند؛ این‌ها که تغییرپذیر نیست. درس امیر المؤمنین در نهج البلاغه ناظر به این چیزهاست. این اصالتها و این ثوابت حیات بشری در طول تاریخ را امیر المؤمنین بیان می‌کند؛ ما آن‌ها را می‌خواهیم؛ و الا ما که نمی‌گوییم اگر خواهیم از این شهر به آن شهر برویم، مثل زمان امیر المؤمنین برویم؛ نه، حالا با هواپیما بروید، ممکن است ده سال دیگر با یک وسیله‌ی بسیار تندتر از هواپیما حرکت کنید. آن روز، نامه می‌فرستادند، که دو ماه در راه بود؛ امروز شما با اینترنت لحظه به لحظه با آن طرف دنیا حرف می‌زنید. این‌ها تغییرات است، اما عدالت و صلاح مسئولان همیشه لازم است؛ حیف و میل نکردن اموال مردم که دست من و امثال من است، همیشه لازم است؛ اینکه تغییرپذیر نیست. اگر به توفیق الهی بتوانیم در این جهت خود را کامل کنیم و قدمهایی را که تا امروز بحمد الله برداشته شده، کامل کنیم، آن وقت کشور اسلامی به همان شکلی که گفتیم، به وجود خواهد آمد؛ یعنی دولت اسلامی می‌تواند کشور اسلامی به وجود بیاورد. من و امثال من اگر خودمان صادق باشیم، می‌توانیم مردم را صادق بار بیاوریم. اگر خود ما اسیر هوی و هوس نباشیم، می‌توانیم مردم را آزاد از هوی و هوس بار بیاوریم. اگر ما شجاع باشیم، می‌توانیم مردم را شجاع بار بیاوریم. اگر من و امثال من اسیر هوی و هوس و دنبال طمع و بنده و ذلیل ترس و طمع خود بودیم، نمی‌توانیم مردم را با فضایل بار بودیم، نمی‌توانیم مردم را با فضایل بار بیاوریم. این بسته به شانس و اقبال هرکسی است که در گوشه‌ی معلم خوبی پیدا کند و به صورت فردی تکامل یابد؛ جامعه پیش نخواهد رفت. دولت اسلامی است که کشور اسلامی به وجود می‌آورد. وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. این‌ها همه‌اش با مراقبت و با تقوا عملی است؛ تقوای فردی و تقوای جماعت و امت^۲».

«ما ملت مسلمانی هستیم. این ملت، با اراده‌ی راسخ عمومی توانسته است یک نظام مطابق با ایمان و اعتقاد خود را در این کشور سر کار بیاورد. هدف این نظام چیست؟ هدف این ملت چه بود؟ هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه‌ی خوبی‌ها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مؤمن وعده داده است، برخوردار شود؛ یعنی یک کشور اسلامی بشود. کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط‌آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسانها، و اسلام هدایت‌کننده‌ی انسانها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه‌ی پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود عزت سیاسی هم می‌آورد؛ رفاه اقتصادی هم می‌آورد؛ فضایل اخلاقی هم می‌آورد؛ اگر کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی شود... من و امثال من اگر خودمان صادق باشیم، می‌توانیم مردم را صادق بار بیاوریم. اگر خود ما اسیر هوی و هوس نباشیم، می‌توانیم مردم را آزاد از هوی و هوس بار بیاوریم. اگر ما شجاع باشیم، می‌توانیم مردم را شجاع بار بیاوریم. اگر من و امثال من اسیر هوی و هوس و دنبال طمع و بنده و ذلیل ترس و طمع خود بودیم، نمی‌توانیم مردم را با فضایل بار

۱. بیانات در دیدار مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته‌ای ۱۳۸۵/۳/۲۵

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۴/۰۵/۲۸

بیاوریم. این بسته به شانس و اقبال هر کسی است که در گوشه‌ی معلم خوبی پیدا کند و به صورت فردی تکامل یابد؛ جامعه پیش نخواهد رفت. دولت اسلامی است که کشور اسلامی به وجود می‌آورد. وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. اینها همه‌اش با مراقبت و با تقوا عملی است؛ تقوای فردی و تقوای جماعت و امت^۱.

«بنده دو سه سال قبل در یکی از همین جلسات گفتم ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله‌ی دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم^۲».

«امروز برای اولین بار در تاریخ کشور ما - بلکه در تاریخ کشورهای اسلامی - بعد از صدر اسلام، دین منشأ و منبع قدرت و تدبیر امور و اداره‌ی جامعه شده است. شاخص، بودن و نبودن روحانی نیست؛ شاخص، بودن دین و نبودن دین است. مجلس قانونگذار ما، مجلس شورای اسلامی است؛ یعنی ملاک قبول و عدم قبول قوانین ما، انطباق و عدم انطباق با دین است - شورای نگهبان - یعنی قوه‌ی مجریه‌ی کشور و همه‌ی بازوان و دستان و سرانگشتان اداره‌ی کشور، به یک منشأ دینی متصل می‌شود؛ اینها خصوصیات اصلی جامعه‌ی امروز ماست؛ این در گذشته سابقه نداشته است. اگر می‌بینید جبهه‌ی عظیم کفر و استکبار در همه‌ی اشکال گوناگون آن با این نقاط بشدت معارضه می‌کند، به خاطر این است. با شورای نگهبان سخت مخالفند؛ با مجلسی که شورای اسلامی باشد، بشدت مخالفند؛ با رئیس‌جمهوری که دم از اسلام بزند، بشدت مخالفند؛ به طریق اولی با رهبری و ولایت فقیه صددرد مخالفند؛ چون اینها نقطه‌های اساسی‌یی است که حرکت و جهتگیری اسلامی نظام را تأمین می‌کند. اگر در تاریخ همین طور عقب بروید، این وضعیت تا صدر اسلام سابقه ندارد. اگر این کشور توانست در میدانهای تحرک و پیشرفت مادی به موفقیت‌هایی دست پیدا کند؛ اگر توانست علم و فناوری و صنعت پیدا کند؛ اگر توانست یک سیاست بین‌المللی و یک دیپلماسی قوی پیدا کند؛ اگر توانست اقتصاد جامعه را سر و سامان دهد؛ اگر توانست از منابع عظیم ثروت در زیر زمین و روی زمین، اعم از معدن و کشاورزی و امثال اینها استفاده کند؛ اگر توانست از سرزمین وسیع و متنوع ایران و موقعیت مهم سوق الجیشی آن استفاده کند؛ و خلاصه، اگر توانست با معیارهای پیشرفت جهانی و مدنی خودش را همراه کند، این اولین کشور و دولتی خواهد بود که توانسته است پیشرفت مادی را در زیر روشنی چراغ برافروخته‌ی فضیلت و معنویت به دست آورد؛ این می‌شود یک تمدن جدید؛ این در تاریخ کم سابقه است و در مقابل تمدن غربی یک پدیده‌ی بشدت هشداردهنده است. اگر در این مجموعه، شما نقش روحانیت را برجسته کردید، ببینید چقدر به این مدنیت خدمت کرده اید^۳».

«برای بیدار کردن عقل جمعی، چاره‌ای جز مشاوره و مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفتگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علماء و صاحب‌نظران»، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود^۴».

«از شورای محترم مدیریت حوزه علمیه قم می‌خواهم تا با اطلاع و مساعدت «مراجع بزرگوار و محترم» و با همکاری و مشارکت «اساتید و محققین برجسته حوزه»، برای بالندگی بیشتر فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر و سایر موضوعات تحقیق و تألیف دینی، و نیز فعال کردن «نهضت پاسخ به سؤالات نظری و

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۴/۰۵/۲۸

۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۳/۰۸/۰۶

۳. بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی ۱۳۸۳/۰۳/۲۲

۴. پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی ۱۳۸۱/۱۱/۱۶

عملی جامعه»، تدارک چنین فرصتی را ببینند. از شورای محترم انقلاب فرهنگی و بویژه ریاست محترم آن نیز می‌خواهم که این ایده را در اولویت دستور کار شورا برای رشد کلیه علوم دانشگاهی و نقد متون ترجمه‌ای و آغاز «دوران خلاقیت و تولید» در عرصه علوم و فنون و صنایع و بویژه رشته‌های علوم انسانی و نیز معارف اسلامی قرار دهند تا زمینه برای اینکار بزرگ بتدریج فراهم گردد و دانشگاههای ما بار دیگر در صف مقدم تمدن‌سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فناوری و فرهنگ، قرار گیرند^۱.

«بدترین مشکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند. ما باید امروز در صدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این ممکن است. در تبلیغات گذشته این کشور در خصوص ناتوانی ایرانی و توانایی غربیها آن قدر مبالغه شده که امروز اگر کسی بگوید ما کاری کنیم که غربیها به علم ما احتیاج پیدا کنند، می‌بینید که در دلها یک حالت ناباوری به وجود می‌آید؛ مگر چنین چیزی ممکن است؟ بله؛ من عرض می‌کنم می‌شود. شما همت کنید پنجاه سال دیگر این‌طوری شود^۲».

«فرآیند تحقق هدفهای اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود؛ اما تحقق آنها، بسیار طولانی است. قدم اول که پرهیجانه‌تر و پرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود؛ لیکن این آسانترین است. قدم بعدی، ترتب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی، که گفتیم نظام اسلامی، یعنی هندسه‌ی عمومی جامعه، اسلامی بشود؛ که این هم شد. قدم بعدی - که از اینها دشوارتر است - ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیأت وزیران؛ یعنی مجموعه‌ی کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکلتر از مراحل قبلی است. ما مسؤولان باید خود را بسازیم؛ مرتب با خود کلنجار برویم؛ یکدیگر را به حق وصیت کنیم؛ یکدیگر را ارشاد کنیم؛ مثل آینه‌ای در مقابل یکدیگر، عیوبمان را صادقانه به هم نشان دهیم؛ بنا را بر رفع عیب بگذاریم و خود را روزبه‌روز بهتر کنیم. هر کس هم که جدیداً مسؤولیت را بر عهده می‌گیرد، با این نیت و با این هدف مسؤولیت را قبول کند که می‌خواهد برای خدمت به مردم، یک انسان صالح شود. آن وقت می‌شود تشکیل دولت اسلامی. قوای مقننه و قضائیه و مجریه و مسؤولان گوناگون ما باید بتوانند تا حد قابل قبولی خود را با این قالبها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. این مرحله سوم است؛ ما الان در این مرحله قرار گرفته‌ایم و باید دائم تلاش ما این باشد. اگر نماینده‌ی مجلسیم، اگر عضو دولتیم، اگر از مسؤولان قضایی هستیم، اگر روحانی هستیم، هر کجا قرار داریم، اولین و مهمترین وظیفه را اصلاح کار خود بدانیم؛ چون اصلاح شخص ما، صرفاً اصلاح شخص نیست؛ ما منشأ اثریم و یک کلمه حرف و یک امضاء و یک تصمیم‌گیری من و شما در جامعه تأثیر می‌گذارد. ما اگر خود را اصلاح کردیم، جامعه را اصلاح کرده‌ایم. دوره‌ی پیش از انقلاب گذشت که بعضی کسان فقط به خود می‌پرداختند. ما آن وقت به آنها ایراد می‌گرفتیم که به فکر جامعه و مردم هم باشید. گفت: آن یک گلیم خویش به در می‌برد ز موج وین سعی می‌کند که بگیرد غریق را می‌گفتیم به فکر غریق‌ها هم باشید؛ فقط به فکر نجات خودتان نباشید. الان آن زمان نیست؛ حالا من و شما اگر به فکر خودمان باشیم، به طور طبیعی غریق‌ها را نجات داده‌ایم. اگر ما خود را اصلاح کنیم، جامعه اصلاح شده است. پس تشکیل دولت اسلامی، مرحله‌ی سوم است. بعد از این مرحله، مرحله‌ی تالک و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله‌ی ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن وقت برای مسلمانهای عالم، الگو و اسوه می‌شویم: «لتکونوا شهداء علی الناس». اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم - که از همت مردان و زنان مؤمن، این چیزها اصلاً بعید نیست - آن وقت مرحله‌ی بعدی، ایجاد دنیای اسلام است. ببینید؛ فرآیند تحقق نظام اسلامی، همین‌طور قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می‌شود. نمی‌شود توقع داشت که من و شما

۱. پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی ۱۳۸۱/۱۱/۱۶

۲. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۱۳۸۱/۰۷/۰۳

خود را اصلاح نکنیم؛ اما دنیا را اصلاح کرده باشیم یا کشور، اسلامی شود؛ نه. ما باید به خود پردازیم. پس یکی از چیزهایی که ما لازم داریم، استقامت و پایداری است. استقامت، یعنی مسیر و جهتگیری را گم نکنیم و مرتب خطاها را اصلاح کنیم و از این که به ما بگویند خطا کرده‌اید، بدمان نیاید^۱.

«ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است. البته انقلاب که می‌گوییم، حتماً به معنای زد و خورد و شلوغ کاری و امثال اینها نیست؛ برخلاف آن برداشتهایی است که می‌بینیم در بعضی از نوشته‌ها خوششان می‌آید با کلمه‌ی انقلاب بازی کنند! گاهی می‌خواهند انقلاب را به معنای شورش، اغتشاش، بی‌نظمی و بی‌سامانی وانمود کنند و بگویند ما انقلاب نمی‌خواهیم؛ یعنی انقلاب چیز بدی است! این برداشتهای غلط از انقلاب است. انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالشهای دشوار و بدون زورآزمایی، امکانپذیر نیست؛ اما معنایش این نیست که در انقلاب حتماً با یستی اغتشاش و شورش و امثال اینها باشد؛ نه، ولی هر شورش و هر اغتشاش و هر تهییج عام و توده‌ای هم معنایش انقلاب نیست؛ هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست؛ انقلاب آنجایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. این قدم اول است. انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل این که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینه‌ی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی نظام اسلامی. بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسؤولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسؤول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سرکار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیات وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسؤولان کشور، رهبری و همه، مرحله‌ی چهارم - که بعد از این است - کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر بتدریج ریشه‌کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقا پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی. از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید^۲.

«خط کلی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را در یک جمله ادا کنیم، خواهیم گفت خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است. این یک پاسخ کلی و قابل توضیح و تشریح. البته این که در مقابل تمدن کنونی بشر - یعنی تمدن مادی غرب - می‌تواند تمدن دیگری مطرح شود یا نه و این تمدن برای پیدایش خود و سپس برای ماندگاری و استواری خود، از چه عناصر و از چه عواملی کمک خواهد گرفت، در این باره سخنها هست ... آری؛ بی‌شک تمدن اسلامی می‌تواند وارد میدان شود و با همان شیوه‌ای که تمدنهای بزرگ تاریخ توانسته‌اند وارد میدان زندگی بشر شوند و منطقه‌ای را - بزرگ یا کوچک - تصرف کنند و برکات خود یا صدمات خود را به آنها برسانند، این فرآیند پیچیده و طولانی و پرکار را بپیماید و به آن نقطه برسد. البته تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیةالله

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۰/۰۹/۲۱

۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

ارواح‌نفاذ است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. بعضی کسان خیال می‌کنند دوران ظهور حضرت بقیه‌الله، آخر دنیا ست! من عرض می‌کنم دوران ظهور حضرت بقیه‌الله، اول دنیا ست؛ اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است؛ با مانع کمتر یا بدون مانع؛ با سرعت بیشتر؛ با فراهم بودن همه امکانات برای این حرکت. اگر صراط مستقیم الهی را مثل یک جاده‌ی وسیع، مستقیم و همواری فرض کنیم، همه‌ی انبیا در این چند هزار سال گذشته آمده‌اند تا بشر را از کوره‌راه‌ها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، سیر تندتر، همه‌جانبه‌تر، عمومی‌تر، موفق‌تر و بی‌ضایعات یا کم‌ضایعات‌تر خواهد بود. دوره‌ی ظهور، دوره‌ای است که بشریت می‌تواند نفس راحتی بکشد؛ می‌تواند راه خدا را طی کند؛ می‌تواند از همه‌ی استعدادهای موجود در عالم طبیعت و در وجود انسان به شکل بهینه استفاده کند. امروز از امکانات بشر استفاده‌ی بهینه نمی‌شود؛ استعدادها ضایع و نابود می‌شود؛ استعدادهای طبیعی هم همین‌طور. همه‌ی این پدیده‌هایی که شما می‌بینید علیه محیط زیست و در آلوده سازی محیط زیست وجود دارد، ناشی از بد استفاده کردن از امکانات طبیعی است. بشر در این راه افتاده است و پیش می‌رود؛ اما این راه درستی نیست؛ راه منحصری نیست. راه دانش، راه‌های فراوانی است. بشر می‌تواند در سایه‌ی نظام الهی آن راه را بیابد و طی کند. فعلاً نمی‌خواهیم وارد این بحث شویم؛ این بحث مجال وسیع‌تری می‌طلبد. به هر حال خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است... البته نه پیدایش و نه زوال تمدن‌ها، مسأله‌ای دفعی نیست؛ یک مسأله‌ی تدریجی و تاریخی است؛ اما اینها نشانه‌هایش است. امروز بسیاری از متفکران غرب هم به این حقیقت توجه پیدا کرده‌اند، هشدار می‌دهند و می‌گویند. بنابراین هیچ شگفتی نباید داشت از این که برقی از گوشه‌ای بجهد؛ همچنانی که همه‌ی تمدن‌های عالم به وجود آمده‌اند، یک فکر نو، یک پیشنهاد نو برای بشریت مطرح شود و بر اساس آن فکر، یک نظام سیاسی در گوشه‌ای از دنیا بتواند یک ملت را گرد هم جمع کند؛ آن ملت ایستادگی کند؛ آن مردم به شرایط لازمی که خواهیم گفت، عمل کنند؛ زبندگان و نخبگان و خواص جامعه نقش‌های خود را پیدا کنند و طبق آن عمل کنند. لذا هیچ بدی ندارد - بلکه نتیجه‌ای حتمی است - که این تمدن مثل همه‌ی تمدن‌های دیگر رشد خواهد کرد؛ مثل خورشیدی که بتدریج بالا می‌آید و به وسط‌السماء می‌رسد، اشعه و انوار خود را به نقاط مختلف دنیا خواهد تابانید. بنابراین، این نظام اسلامی، نظامی است که یک خط حرکت معقول و منطقی برای خود تصویر کرده است. این سیری نیست که بتواند متوقف شود؛ این سیری هم نیست که مراحل گوناگونی که در آن هست، برای آن دائمی و ابدی باشد. یک حرکت تکاملی است. از آغاز انقلاب اسلامی این حرکت به وجود آمد؛ این برق در این نقطه از عالم درخشید؛ چشم‌هایی را خیره کرد؛ بعد هم این توفیق را پیدا کرد که نظام اسلامی را به وجود بیاورد؛ این نظام اسلامی هم از آغاز تشکیل، با چالش‌های خود، با مشکلات خود، با امکانات خود، حرکتی را آغاز کرده است و پیش می‌رود. این خط اگر با جدیت، با پشتکار، با شناخت آنچه که لازم است، با عمل به آنچه که وظیفه است، ادامه پیدا کند، سرنوشت حتمی عبارت است از این که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه‌ی عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای این که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه. معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند. به معنای رساندن یک پیام است به دل‌ها، تا بتدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند. این امری است که شدنی است. با وضعی که امروز من در کشورمان مشاهده می‌کنم، با ریشه‌های عمیقی که تفکر اسلامی در کشور ما دارد، با حرکت بسیار وسیع و گسترده‌ای که از اول انقلاب در راه تعمیق این اندیشه آغاز شده است و امروز به جاهای خوبی هم رسیده است، به نظرم می‌رسد که این آینده برای نظام اسلامی، یک آینده‌ی قطعی و اجتناب‌ناپذیر است.

مطلب دوم این است که نقش‌آفرینان اصلی در این عرصه چه کسانی هستند؟ ما می‌خواهیم ببینیم روحانیت در این میان کجا قرار دارد و شما طلاب جوان و فضلاء جوان - کسانی که نقد ارزشمند جوانی خود را برداشتید و به این حوزه آوردید - می‌خواهید این سرمایه را برای چه و در کجا مصرف کنید؟ نقش‌آفرینان اصلی در این جا چه کسانی هستند؟ اولاً باید معلوم باشد که این حرکت عظیم نظام اسلامی و حرکت به سمت آن آینده‌ی آرمانی - که ایجاد تمدن اسلامی است؛ یعنی تمدنی که در آن، علم همراه با اخلاق است؛ پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین است؛ و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است - یک حرکت تدریجی است. البته پُرهیجان است؛ اما هر کس بداند چه کار می‌کند، هر قدمی که برمی‌دارد، برای او هیجان‌انگیز است؛ اما این کار عظیم و ماندگار تاریخی، این کاری که سر و کارش با نسلها و قرن‌هاست، این را نباید با کارهای دفعی، جزئی و شعاری اشتباه کرد. این کاری است که باید گام به گام، هر گامی محکم‌تر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی‌داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می‌کنیم، همراه باشد^۱.

- «برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس است. هر کس که لب اقیانوس رفت، نمی‌تواند ادعا کند که اقیانوس را شناخته است. هر کس هم که نزدیک ساحل پیش رفت و یا چند متری در آب در یک نقطه‌ای فرو رفت، نمی‌تواند بگوید اقیانوس را شناخته است. سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن - که از کتاب و سنت همه‌ی اینها استفاده می‌شود - کاری است که همگان باید بکنند؛ کاری است که در طول زمان باید انجام گیرد. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است. یک روزی حرفهای مرحوم شهید مطهری که مطرح می‌شد، به گوش بعضی ناآشنا می‌آمد. حرفهای شهید مطهری، حرفهای دین بود؛ حرفهای قرآن بود؛ حرفهای اسلامی بود؛ اما بسیاری از کسانی که با دین و قرآن و اسلام هم سر و کار داشتند، با آن حرفها آشنایی نداشتند! در همه‌ی زمانها این امکان برای متفکران آگاه، قرآن‌شنا سان، حدیث‌شنا سان، آشنایان با شیوه‌ی استنباط از قرآن و حدیث، آشنایان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث اسلامی و در سنت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به نیاز زمانه آشنا باشند، سؤال زمانه را بدانند، درخواست بشریت را بدانند، می‌توانند سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشه‌ی راهنما و راهگشا برای بشریت. شرط دوم، پرورش انسان است. حال در آن جایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش‌آفرینان چه کسانی هستند. این نقش‌آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. این یک بُعد قضیه است. چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق طی‌شدنی نیست، باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند. بدون شک مدیران جامعه جزو نقش‌آفرینانند؛ سیاستمداران جزو نقش‌آفرینانند؛ متفکران و روشنفکران جزو نقش‌آفرینانند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند در خور استعداد خود نقش‌آفرینی کنند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای این که بتوانند درست نقش‌آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند^۲.

- «حوزه‌ی علمیه‌ی روحانیت و در رأس، حوزه‌ی قم و سپس حوزه‌ی شهرستانها - از شهرستانهای بزرگ تا شهرهای کوچک - در قبال چنین چالشهایی قرار گرفته‌اند. شما هستید - یعنی حوزه‌ی دین، حوزه‌ی علمیه و حوزه‌ی روحانیت - که می‌خواهید بنای شامخ تمدن اسلامی را بالا ببرید و استوار کنید؛ چراغ هدایت اسلام را در مناره‌ی بلند نظام اسلامی به درخشش درآورید و انسانها را هدایت کنید - یعنی کاری که همه‌ی پیغمبران برای آن آمدند - و آنها را به صراط مستقیم الهی و جاده‌ی اصلی الهی - سبیل اعظم

۱. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

۲. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

و صراط اقوام - نزدیک کنید. حوزه با این چالشها مواجه است؛ با این هدف حرکت می‌کند. حال شما ببینید حوزه‌ی علمیه چگونه باید باشد و چه کار باید بکند؟ واجبات این حوزه چیست؟ اگر هیچ چیز هم بنده به عنوان آنچه که تصور می‌کنم برای حوزه‌ها لازم است، عرض نکنم، این موقعیت حساس که تبیین شد، این هدف بلند که ترسیم شد، این معارضه‌ها و چالشهایی که در پیش روی نظام اسلامی هست و بیان شد، اقتضائاتی دارد که با توجهی می‌شود این اقتضائات را دانست^۱.

- «این کشور باید ساخته شود، این کشور باید پیش برود. این ملت بزرگ بایستی استعدادهایش شکوفا گردد؛ بایستی در دنیا بدرخشد و بالاخره آن تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد و نشان دهد. ما هنوز اول راه هستیم. ما در ابتدای راهیم. انقلاب، موانع را برداشت، ما را به راه انداخت و ما راه افتادیم. هنوز اوایل راهیم؛ هنوز وقت آن نیست که به مسائل جزئی بپردازیم و عیوب کوچک را در هم بزرگ کنیم^۲».

- «ما در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می‌کند، این را هدف گرفته‌ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم. اینکه می‌بینید دنیای غرب نسبت به پابندی ما به معنویت، حساس است؛ بر دین‌داری ما اسم تعصب و تحجر می‌گذارد و علاقه‌مندی ما به مبانی اخلاقی و انسانیت را مخالفت با حقوق بشر قلمداد می‌کند، به خاطر آن است که این روش، ضد روش آن‌هاست. آن‌ها علم را پیش بردند البته کار مهم و بزرگی بود اما جدای از اخلاق و معنویت بود و شد آنچه که شد. ما می‌خواهیم علم با اخلاق پیش برود. دانشگاه همچنان که مرکز علم است، مرکز دین و معنویت هم باشد. متخرج دانشگاه‌های کشور، مثل متخرج حوزه‌های علمیه، دین‌دار بیرون نباید. این، آن چیزی است که آن‌ها نمی‌پسندند و نمی‌خواهند. به همین خاطر، سالهاست که با انواع تهمتها، به جمهوری اسلامی تهمت می‌زنند. این تهمتها آن قدر مکرر شده که برای شنوندگان تهوع‌آور است! جمهوری اسلامی را به تعصب و تحجر و به قول خودشان بنیادگرایی، یعنی خشکی بی‌حد و اندازه‌ای که هیچ انعطافی در آن نیست، متهم می‌کنند! اسلام را این‌گونه معرفی می‌کنند؛ در حالی که خشکی آنجاست، زندگی دور از معنویت و عطف و رحمت و انسانیت آنجاست که حتی محیط گرم خانواده هم قادر نیست کودکان را در خود نگهدارد^۳».

- «هرجا دیدید که دشمنی زورگویی می‌کند، در مقابل او بایستید. این، وظیفه‌ی آحاد مردم، دولتمردان، نمایندگان مردم و کسانی است که این مملکت مسئولیتی را به آن‌ها سپرده است. در مقابل دشمن متجاوز، در مقابل زورگوی ظالم، در مقابل استکباری که امروز بر ارزشهای الهی و معنوی طغیان کرده است که مظهرش هم دولت طاغوت و طغیان‌گر امریکاست کوتاه نیایید. قدرتهای مادی، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. با ملتی که ایستاده و به نیروی خود تکیه کرده است، هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. همه‌ی راه‌ها به روی آن‌ها بسته است.

اگر سخت‌گیری کنند، آن‌ها ضرر می‌کنند. اگر فشار وارد بیاورند، آن‌ها ضرر می‌کنند. اگر حمله کنند، آن‌ها ضرر می‌کنند؛ چون جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت، جوهر نفیس و گران‌قدری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله الاعظم ارواحنا فدا خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماسست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند^۴».

۱. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۷/۰۱/۲۷

۳. بیانات در دیدار جمعی از پرستاران ۱۳۷۶/۰۶/۱۹

۴. بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

«دنیایی که با تعلیمات ارز شمند پیامبران الهی و با آیات نورانی خدای متعال، برای بشر آراسته و منور شده است، دنیای شایسته‌ی انسان است. دنیایی که در آن، هم آبادی و رفاه و پیشرفت علمی و پیشرفت صنعتی هست و هم اقتدار سیاسی و تعالی معنوی وجود دارد. دنیایی که در آن، انسانها کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت و اطمینان می‌کنند و انسانیت در آن شکوفاست؛ چیزی که در دنیای ساخته‌ی تمدن مادی وجود ندارد؛ چون در دنیای مادیگری، انسانها مثل گرگها باید از هم بترسند. ملت ایران مصمم است که چنین دنیایی را هم از جنبه‌ی مادی و هم از جنبه‌ی معنوی، برای خود به وجود آورد و بسازد. این، یک مبارزه‌ی طولانی و بلند مدت است. آن‌هایی که می‌کوشند این طور وانمود کنند که ملت یا دولت جمهوری اسلامی ایران، در پی آن است که به آن کشور، به آن دولت، به آن مرز جغرافیایی تجاوز کند، اشتباه نکنند. ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران، برای بنای این کشور و پیشرفت این جامعه، هزاران کار بزرگ و درخشان پیش پای خود دارند که آن‌ها را از پرداختن به چنین کارهایی باز می‌دارد. امروز بحمد الله کاروان علم و تمدن اسلامی تمدنی که می‌تواند به دنیا خدمت کند در این کشور به راه افتاده است»^۱.

«قضیه بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید، قضیه‌ای جدی است. آن را جدی بگیرید. یک وقت در کشوری، یکی کودتا می‌کند و نظامی بر سر کار می‌آید. آن نظام، چند صباحی هست؛ بعد هم می‌رود - یا یکی دیگر از او تحویل می‌گیرد - و همه چیز به حال اول برمی‌گردد. یک وقت قضیه این‌گونه است و این همه نقل ندارد. آنچه در ایران اتفاق افتاد، مسأله یک حرکت عظیم در مقیاس جهانی است. ما البته یک ملتیم؛ مرزهایمان هم، مرزهای محدودی است. بیرون از این مرزها هم کاری نداریم. به این نکته توجه داشته باشید. تلاش و فعالیت ما در داخل مرزهای خودمان است. اما این انقلاب، محدود به این مرزها نیست. این پیام یک پیام جهانی بود»^۲.

«ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم. من این را می‌خواهم به شما بگویم: مسأله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسأله این است که ملت ایران - همچنان که شأن او است - در حال پدید آوردن یک تمدن است. پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم می‌کند و علم را هم برای او به ارمغان می‌آورد. ما در این صراط و در این جهت هستیم. نه این‌که ما تصمیم بگیریم این کار را بکنیم؛ بلکه حرکت تاریخی ملت ایران در حال به وجود آوردن آن است»^۳.

«در صدر اسلام، رسول مکرم اسلام(ص) و صحابه و نیز جانشینان بزرگوار ایشان توانستند با اتکال به خدا، یک تمدن عظیم تاریخی را پایه‌گذاری کنند. آنها هم در برابر قدرتهای بزرگ زمان خود، علی‌الظاهر کوچک بودند؛ اما ایمان به آنها قدرت بخشید و توانستند برای چندین قرن، عظمتی را در تاریخ ایجاد کنند. ما چرا نتوانیم؟ «ولا تهنوا و لاتحنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین». شرطش ایمان است»^۴.

۱. بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور طریق القدس ۱۳۷۶/۰۲/۰۳

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۷۳/۰۸/۱۱

۳. پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی ۱۳۷۳/۰۱/۰۱

۴. بیانات در دیدار جمعی از ائمه‌ی کشورهای نامیبیا، موزامبیک، آفریقای جنوبی و لسوتو ۱۳۶۸/۱۲/۰۳